

رژیم جمهوری اسلامی در بن بست خاتمه جنگ

در پی یک سلسله تحولاتی که در طول هفته های اخیر در خاور میانه عربی بوقوع پیوست، یکبار دیگر در چند روز گذشته مسئله جنگ دولتهای ایران و عراق و احتمال پایان یافتن آن با وساطت سوریه در صدر اخبار روزگارهای مطبوعات قرار گرفت. مسافرت وزیر خارجه ایران به سوریه و مسافرت قریب الوقوع حافظ اسد رئیس جمهوری سوریه به ایران نیز در همان حال که بیا نگر تحولات و فعل و انفعالات سیاسی اخیر خاور میانه می باشد، حاکی از مذاکرات پشت پرده رژیم جمهوری اسلامی در جهت پایان بخشیدن به جنگ است. واقعیت این است که اکنون پس از گذشت نزدیک به یکسال و نیم از آغاز جنگ، دولت ایران که تا کنون در زمینه جبران شکستهای سیاسی و نظامی خود در جنگ با عراق سرخستی نشان میداد، امروز تحت تاثیر دو عامل خود را مجبور می بیند که رسماً با این شکستها اعتراف کند و هر چند موقتی با این جنگ خاتمه دهد. از یک سو رژیم جمهوری اسلامی با این واقعیت بی برده است که با توجه به موقعیت اقتصادی، سیاسی و نظامی موجود خود در تنگنا در نیست شکستهای سیاسی و نظامی خود را در جنگ با عراق جبران کند، بلکه چنانچه این جنگ ادامه

بقیه در صفحه ۲

اجرای قانون "شرایط انتخاب قضات دادگستری"

معنی اش خانه نشین کردن تمام قضات و وکلای دادگستری و کلیه حقوقدانان ایران است

خدمت تحکیم طبقه حاکمه قرار داشته و بیان خدمت کرده و میکند، ولی از آنجا که - بسیاری از عناصر تشکیل دهنده آن - اعم از قضات و وکلای دادگستری - را روشنفکران افشار خرده بورژوازی تشکیل داده و در همین حال سلطت رابطه شفلی خود با مقولاتی چون عدالت اجتماعی و حقوق انسانی، لذا با دیکتاتور سلطنتی در تضاد بودند. از این جهت در تمام طول حکومت محمدرضا شاه این دستگاه برای رژیم از نظر سیاسی، بقیه در صفحه ۲

یکی از ارگانها شبکه از ابتدای تشکیل رژیم جدید مورد پرورش و نفوذت خریدگسان قشری قرار گرفتند. دادگستری بود و در این میان قضات و وکلای دادگستری و - حقوقدانان با خطرات اخراج و از دست دادن شغل و حرفه روبرو شدند. دادگستری در دوران رژیم شاه نیز در زمره دستگاههایی بود که کاملاً مطیع و منقاد "ذات شاهانه" نبود. شک نیست که دادگستری بعنوان بخشی از دستگاه - بوروکراسی، آلت سرکوب بورژوازی و در

رفسجایی: مهر جمهوری اسلامی در دل سرمایه داران نرسیده است!

رسمان جمهوری اسلامی و کرده آمدن بزرگ بیری "خط امام" فرا خواند، رفسجایی میگوید: "خداوند محبت این انقلاب را در دل بسیاری از کسانی قرار داده که آدم فکر نمی کند، یک نامه دینیت به من رسید... یک خانمی از همدان می آید که فرستاده معلوم است که از آن ظالمتیهای درجه یک بوده بقیه در صفحه ۸

ها شمی رفسجایی که مدتها است تریبون حمایت از سرمایه داران بدل ساخته است و از این تریبونها منتهای رئیس جمهور و "ما همه دادگستری تهران" - حضوراً و در تریبون نماز جمعه "افتخار می کند، در سخنان خود در روز جمعه ۴ دیماه بار دیگر سرمایه داران را به دست زدن به

- در این شماره:
- جنبش جهانی
- جنبش کارگری
- اخبار مدارس
- مردم چه میگویند مردم چه...
- گزارشهای روسستانی

پیامهای اولین کنگره سازمان به ... صفحه ۱۰

متن قطعنامه های مصوبه در اولین کنگره سازمان صفحه ۵

اخبار جنبش مقاومت

☆ ☆ خلق کرد ☆ ☆

صفحه ۱۷

رژیم جمهوری اسلامی در بن بست خاتمه جنگ

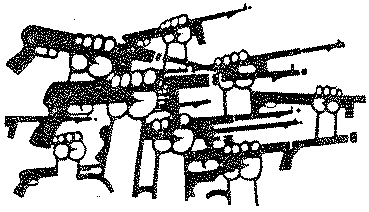


صفحه ۱۶ از صفحه ۱

زنده باد انقلاب پرو

واحد های تولیدی که در مالکیت دولت بودند به بخش خصوصی، کارکنان تفرقه های گمرکی، افزایش با زهم سترهای مواد سوختی و خوراکی، جلوگیری از افزایش سطح دستمزدها و بالاخره با زهم کارکنان ارتش "سول" (واحد پول پرو) به مقدار ۳۰ درصد دیگر، خلاصه اینکه آنچه صندوق بین المللی پول (I.M.F) تحت نام "آرام سازی شرایط" پیشنهاد می کرد، چیزی نبود جز تخریب سراسری صربیا حتی منتهی برای رشد اقتصادی پرو. برخی از افغانان و تاجیکان که دلایل مختلف و از آن جمله فشار بخشی از بورژوازی پرو که کارکنان قدرت خرید مردم را در سالها بلاواسطه اعمال این سیاست ها می دیدند، از دولت کناره کشیدند و سه صفا بوزیسون بورژوازی پیوستند.

در شرایطی که پرو در میان و خم نرسیدن بحران اقتصادی - سیاسی ممکن است ویا میزد، و خانه خرابی توده های زحمتکش، برخی فرایند داشت، "حزب کمونیست پرو" (P.C.P) همچنان در حاکمیت از دولت نظامی بای مفترض و همچنان "آرام سازی" ملی، صدا میبویا لیست و مدافع دیمکراسی" میخواند. در ژوئن ۱۹۷۷، پس از آنکه یکبار دیگر فرمان "صندوق بین المللی پول" (I.M.F)، برپهای کاراها افزوده شد، موجی از اعتراضات توده ای سراسر مناطق جنوبی کشور را فرا گرفت. این بار بسیاری از اعضاء و هواداران "حزب تیزبازان دیده انگاشتن" انقوای رهبران شان، در کنار زحمتکشان قرار گرفتند. "کنفدراسیون عمومی کارگران پرو" (C.G.T.P) به اتحاد مواضعی را دنبال ترکشیدند. کنسرسی از اتحادیه های کارگری کنفدراسیون های کارگری گوناگون، در پیوند با یکدیگر "کمیته مبارزه متحد" (C.U.) را برپا کردند. تنها اتحادیه های متکامل در "کنفدراسیون کارگران پرو" (C.T.P) هواداران "حزب آبرو" (A.P.R.A) - بداین کمیته وارد شدند. همین موضوع در تاریخ هستی این کنفدراسیون به مثابه نقطه عطفی بود که بدنیا ل آن این سازمان زرد کارگری رهنه رفت و برای همسازان - جنبش کارگری بیوریت می افتاد. سرنوشت عماد "کنفدراسیون کارگران پرو" (C.T.P) ضربه ای بود بر سیاست های "استیتوی آمریکا" برای توسعه کار آزاد" (A.I.F.O) که بیشترین تلاش را برای نفوذ و گسترش این کنفدراسیون در پرو، یکبار گرفته بود. شهررو حاصل صرف ۲ میلیون دلار و آنچه نوظنه و عوا برای بدل کردن این کنفدراسیون به یکا به شکل سراسری و گسترده کارگری در پرو، برپا درفته بود.



کنونی رژیم به معنای شکست پان اسلامیم در منطقه و شکست سیاسی رژیم در برابر دولتهای عربی منطقه است. این امر نه تنها یک پیروزی سیاسی برای رژیم عراق بلکه یک پیروزی سیاسی برای تمام رژیمهای ارتجاعی منطقه و بورژوازی عرب محسوب میگردد.

ثانیا - پایان یافتن جنگ در وضعیت کنونی به معنای اعتراف رژیم جمهوری اسلامی به شکست نظامی و برضیت شناختن پیروزیهای نظامی رژیم عراق محسوب میگردد.

دولت عراق که پس از سرنگونی رژیم شاه کوشید تا موقعیت سیاسی و نظامی خود را در منطقه در قبال ایران مستحکم سازد و به ادعاهای ارضی خود جاه عمل بپوشد، با اشغال بخشهای وسیعی از خاک ایران - بویژه مناطق استراتژیک (هم بدلائل اقتصادی و هم نظامی) در طول مرزهای ایران با اهداف خود نائل آمده است.

پیروزیهای نظامی عراق، در زمینه تصرف تپه های استراتژیک منطقه، غرب ایران که از اهمیت نظامی ویژه ای برخوردارند و نیز تسلط کامل بر شط العرب که بویژه از نظر اقتصادی بسیار برای رژیم عراق دارای اهمیت استراتژیک است، در زمره پیروزیهای نظامی رژیم عراق محسوب میگردد. پایان یافتن جنگ در واقع اعتراف رژیم جمهوری اسلامی به شکست نظامی محسوب میگردد. سواى آنچه گفته شد، از جنبه داخلی نیز پایان یافتن جنگ نتایج دوگانه ای برای رژیم جمهوری اسلامی برخواهد آورد.

از یک سو رژیم تلاش خواهد کرد تا پایان یافتن جنگ به وضعیت اقتصادی و سیاسی و خاصیت با خود سروما می بدهد و با توسل به نیروهای مرکب خود که اکنون اکثریت در مناطق مرزی مستقر هستند، هرگونه تا رضای مردم را در هم کوبد، سخت وسیعی از این نیروها را به مرکب جنبش مقاومت خلق کردا حتما در دهه دوریک کلام تلاش خواهد کرد که موقعیت سیاسی خود را مستحکم سازد. اما از سوی دیگر اعتراف شکست های سیاسی و نظامی بیجایی پایان دادن به جنگ در وضعیت کنونی منبوج تا رضای علیه رژیم را دامن خواهد هزد، بعلاوه با پایان یافتن جنگ، توده های مردم در خواسته های خود را در سطح وسیعی طرح خواهند کرد و مبارزه در راه تحقق خواسته ها را گسترش خواهند داد. آوارگان مناطق جنگی که اکنون زیر حکومت پلیسی در اردوگاهها سرمی برندیک موج نویین مبارزه آوارگان را بیدار خواهد کرد و - بالاخره هزاران سربازی که با پایان یافتن جنگ بحیل سیکاران می بودندند جنبش سیکاران اساعدا زه ای خواهند بخشید، علی رغم چنین نتایجی است که رژیم جمهوری اسلامی خود را در وضعیت کنونی مجبور می بیند که میان تحکیر سوریه را در امرپایان بخیند به جنگ بیدرد و خود را ازین سنی که در لحظه کنونی با آن روبروست برهانند.

بقیه از صفحه ۱

باید، آترابا بحرانهای وخیم تری روبرو خواهد ساخت و موجودیت آترابا کلی خطر خواهد نداشت. هم اکنون این واقعیت در برابر رژیم قرار دارد که اقتصاد جامعه بکلی از هم پاشیده است، خطر فلاکت عمومی هر دم افزون تر میگردد. نا رضایتی و ستم در میان توده های مردم گسترش می یابد و مدام مکان سقوط رژیم بیشتر میگردد.

از سوی دیگر تحولات اخیر خاور میانه که با طرح فهدوا نظامی بلندیان جولان به خاک اسرائیل آغاز شده است، و تاکنون به پیشنهادها میان تحکیر سوریه برای پایان بخیندن به جنگ ایران و عراق انجام شده است، رژیم را واداشته است که به منظور رها نشی از انزوای و انفراد هر چه بیشتر و اشغال کردن نقش فعال تر در مساعلات سیاسی و تحولات موجود منطقه در جهت پایان دادن به جنگ کامیاب گردد. زیرا سوریه که تاکنون شدیداً به حمایت های مادی و معنوی شیوخ عربستان سعودی، کویت، بحرین، امارات متحده و... متکی بوده - است، در وضعیت سیاسی موجود منطقه بیش از پیش به حمایت این دولتها نیاز دارد و هر اقدام سیاسی و نظامی خود را در گسرو حمایت این دولتها میداند. از این رو خود را را محصور می بیند که تحت فشار آنها، در قبال درگیریهای دولتهای عربی منطقه و دولت ایران بطور عمده جنگ ایران و عراق بطور خاص موضع خود را منع اعراب نمیبیرد. از این رو حتماً نخواهد که سوریه در امرپایان دادن به جنگ تا عدم موفقیت روبرو شود، این امر منجر به جدایی دولتهای ایران و سوریه و انفراد بیشتر رژیم جمهوری اسلامی خواهد شد. رژیم جمهوری اسلامی نیز با درک تحولات سیاسی منطقه خود را محصور می بیند که با به پیش رفتن پیشنهادات سوریه این تاکنک دولتهای عربی منطقه را خنثی کند.

بنابراین با در نظر گرفتن این دو فاکتور احتمال بسیار وجود دارد که در آینده ای نزدیک مذاکراتی که اکنون از طریق سوریه در جریان است بیک آتش بس میان دولتهای ایران و عراق بیانجامد. اما پایان یافتن این جنگ نتایج - متعددی را برای رژیم جمهوری اسلامی به بار خواهد آورد که از آن جمله میتوان به موارد زیر اشاره کرد. اولاً - پایان یافتن جنگ در وضعیت کنونی به معنای شکست رژیم جمهوری اسلامی در عرصه سیاسی و اعتراضی به شکست های تجار و کارکنان - اسلامیم ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی در منطقه خواهد بود.

رژیم جمهوری اسلامی در روزهای پس از قیام بهمن ماه تحت لوای پان اسلامیم دستیک تفریحی گسترده در منطقه زد، این تفریحی که حتی در برخی موارد موفقیت رژیمهای منطقه را بخاطر افکنده بود، در یک مرحله به جنگ دولتهای ایران و عراق انجامید. در حقیقت جنگ دولتهای ایران و عراق، جنگ رژیم ارتجاعی ایران و رژیمهای ارتجاعی عربی منطقه بود. اکنون نیز پایان یافتن جنگ در وضعیت

از جنگ ارتجاعی زحمتکشان بیزارند دو میلیون آواره، نان، مسکن ندارند



نستند فقط ما مورانستظا می هستند.
عصر و شبها کارگران قانع شدند که
آقای عدل را به مدت یک هفته در اختیار
کمیته قرار دهند تا پس از این مدت جواب
قطعی به کارگران بدهد. با مزایای آنها
را بدون تعطیل کارخانه به آنها بپردازد
و یا کارخانه را در اختیار آنان بگذارد.

البته کارگران این کارخانه باید
دانند که دولت کردن کارخانه تا میسر
کننده منافعی آنان نیست، چرا که همین
دولت است که با سیاستهای فداکاری خود
به عیان نشان داده که منافعی منافعی
سرما به داران است و دولتی است که در
بنت پرچم دفاع از اسلام منافعی سرما به
داران، تنها سازا روزمندان آن دفاع
می نماید. البته از آنجا که کارگران -
کارخانجات دولتی شده در مسازات خود
مستقیماً "رویا روی دولت سرما به داری
قرار می گیرند، این خواست از این جنبه
گامی به جلو در مسازات کارگران می باشد
و می تواند ارتقاء خواستهای کارگران
و در شکل آنان علیه حکومت جمهوری -
اسلامی نقشی سریع کننده بازی کند.

بند رقمینی = ۶۰/۹/۱۰: موفقیت
کارگران در گرو اتحاد آنان است:
بجای کارآزاداران قبلی اینک
شورایها سم شورای اسلامی گامی در
مسئولیت آنها موظف مربوطه را سپرده
گرفته است. این شورا از با لاور طرف -
سیاه با سازان خوزستان با نظارت -
استانداری تشکیل شده است و به همین
دلیل مورد شکر کارگران می باشد.
کارگران هیچ تفاوتی بین این با مصاح
شورا و پیمانگان سابق نمی بینند و -
اخیراً حتی شایع شده است که پیمانگان
قبلی در تهران شدیداً "در حال فعالیت
هستند تا به محل جابیدن و استنفا قبلی
خوبی با کردند. شورا اخیراً "به کارکنان
زیرمسئولیت خویش که حدود ۷۵ نفر -
می باشد اعلام کرده است که بدلیل کسر
بوده ما هیا نه ۲۵۰۰ تومان از حقوق
آنها کسر خواهد شد. این مسئله مسرور
اعتراض کارگران واقع شده و کارگران
متحداً "به مسئولین شورا مراجعه کرده
خواستار برپادار حق کلیه حقوق خود می شوند.
شورا با توجه وضع اقتصادی افسار رژیم
سعی میکند کارگران را منتفا عد کند که
فعلاً "با بدیا کس حقوق سازند. کارگران
در جواب اعلام می کنند طبق یک حساب
سراشکنی، در آمد ما هیا نه شورا حدود
۵ میلیون تومان است و خرج کلی آن -
حدود یک میلیون تومان، بقیه پول را
میخواهید به چه مصرفی برسانید که از حقوق
ما با بکسر شود.

مسئولین شورا وقتی با چنین استدلال
و آمار روی می آورند حرف خود را عرض
کرده میگویند البته این کس حقوق بخاطر
کسر بودجه نیست بلکه چون در نظر داریم
مجددی در بندر سیاه با احتیاج به پول
داریم. این امر نیز مورد اعتراض شدید
کارگران واقع شده و کارگران ضمن آنکه
هزینه ساخت مسجدرای بهیچ دولت می گذارد
نهدید می کنند در صورت عدم پرداخت حقوق
سرکارخواهد در تحت این امر شورا به
عفت بنیوی وادار می کند و حقوق کارگران
را بطور کامل پرداخت میکند. با ردیگر
این امر اشکات شدنی را در راهها شکارگران
اسخا در اتحاد است.



جنبش کارگری

براکتی چیزی مشاهده نمی شود. ما
فقط با ایحادشورای واقعی و
انتخابی خود و با اتحاد و یکپارچگی
خواهیم توانست در مقابل خطر
بیکاری و بی خانمی مقاومت
کنیم. ما همه سرنوش یکمان -
داریم. پس با بدیا هم متحد باشیم
۶۰/۹/۸

کارگران علاوه بر مسازات شورا -
فرمایشی، دست از مسازات برای سایر
خواستهای خود برننداشته و مجدداً "خواست
های خود را مطرح کردند. برای کارگران
مبارز روشن بود که برای نشان دادن -
ماهیت سازشکار شورا فقط حرف زدن کافی
نیست بلکه باید عدم توانائی آنرا در عمل
به اثبات رسانند. کارگران در جریان
این مبارزات خود، چندین بار اقدام به
دستگیری و گروگان گیری کارفرما (عدل)
نمودند. شورای اسلامی ضمن مراجعات
مکرر به دستگای دولتی، به علل
سیاستهای سازشکارانه خود موفق به اخذ
نسخه ای نگردید. و ما لایحه تحت فشار
کارگران مجبور به استعفا گردید و اعضای
علی البدل شورا که دولت ایران از
شورای قبلی بودند به جای آنها شروع
به کار کردند.

اکنون بعد از شکستهای فراوان،
کارفرما تمام کارگران و کارمندان را
اخراج کرده و گفته که صراحتاً از طریق فروش
اموال منقول و غیر منقول شرکت که
حدود ۱/۵ میلیون تومان ارزش دارد -
کارگران اخراجی در ازای هر سال کار -
شان ۲ - ۳ ماه حقوق بپردازند. ما باید
کارگران معتقدند، این هم کلک است بنا
- بر این خواستار دولتی شدن کارخانه
هستند. به همین منظور کارگران در روز -
۶۰/۹/۲۱ در محل کارخانه جمع شدند و
سپس به دفتر کارخانه در بلوار کاشان
رفته و کارفرما را به گروگان گرفتند و تا
روز بعد ۶۰/۹/۲۲ او را نگاهداشتند. از طرف
کمیته، با سازان به دفتر شرکت، محل -
تجمع کارگران، مراجعه کرده و از کارگران
می خواهند عدل را آزاد کنند. و قول مدهند
از دولت خواهند کاری برای کارگران -
بکنند. ولی کارگران که بدست خشمگین
بودند به سازان اعتمادی نمی کنند که
شما طرفدار سرما به دار هستید، با سازان
که از خشم کارگران ترسیده بودند، قسم
می خوردند که طرفدار کارگردانی کارهای

گزارشی از وضعیت شرکت صنعتی
ساختمانی خریبا و وضعیت مبارزات
کارگران در این کارخانه:

کارخانه در یک کیلومتر ۹ جاده کرج و در
سال ۱۳۴۸ با سرمایه ای حدود ۳۰۰۰/۰۰۰
میلیون ریال تاسیس شد. فعالیت آن
ساخت اسکلتهای فلزی و سالی های پیش
- ساخته است. و در حال حاضر ۹۰ کارگر
دارد. کارگران این کارخانه معتقدند
هستند که سرما به داران همه سرما به شرکت
را خارج کرده اند بطوریکه در حال حاضر
شرکت ۱۷ میلیون تومان بدهکار است.
در جریان قیام قیامها تا به خلق در سال
۵۷ - ۵۶ سهامداران شرکت به جز
مدیرعامل آن فرار فرار و ترجیح داده
ورفته بودند این مدیرعامل در گذشته عضو
سازمان نظامی حزب بوده و جزو نامیسن
آن بوده است.

در زمان قیام کارگران حول خواسته
- های خود شورای مرکب از سه نفر تشکیل
دادند و از طریق این خور توانستند
بعضی از خواسته های خود از قبیل ۴۰ ساعت
کار در هفته، بهتار کارگران، سرورس رفت و
آمد، تشکیل کلاسهای بیکار با بسواد،
شورای تحقیق و... برسد. ولی کارفرما
از فروردین ۶۰ با استفاده از خوفگنان
و با گرفتن وامی ۲/۵ میلیون تومان نسبی

از بانک سپه برای تخفیف اوضاع -
بحرانی شرکت، فشار علیه کارگران را
تشدید نمود. ابتدا یکی از اعضای شورا را
به اتهام کمونیست بودن اخراج نمود
کلاس بیکار با بسواد را به بهانه اینکه
وضع مالی شرکت بد است و ضمناً "به خاطر
جنگ با بدولت در افزایش داد و... تعطیل
نمود. در این زمان دوباره وضع نامسا میان
مالی شرکت تشدید گردید و مسازات -
کارگران حول خواسته های منفی (پرداخت
دستمزد و مزایا بطور موقت) اوج گرفت ولی
رژیم توانست با استفاده از جورعب و خفان
مسازات کارگران را بطور موقت مهار
نماید و شورای انتخابی آنان را لغو -
شورای اسلامی را به جای آن استنفا نماید
اعضای شورای جدید هیچکس حزبی نبوده و
به خاکمیت نیز متوجه نمی باشد ولی عناصری
سازشکار و ترسو هستند. کارگران مسازات
و پیرو که می دانستند از این شورای فرمایشی
کاری ساخته نخواهد بود دست به افتاء و -
مسازات با آن زدند و خواهان تشکیل شورای
انقلابی خود شدند. تراکت زیرکانه بدست
ما رسیده است در رابطه با همین خواست
کارگران در میان کارگران کارخانه
پخش گردید:

"تنها شورا های واقعی حامی منافع
کارگران هستند"
همکاران شرکت خریبا! ما همگی
شا هدی بودیم که در طول این چند سال
چگونه کارفرما حاصل دسترنج ما را
غارت کرد و در این اواخر حتی از
پرداخت همین چند روز دستمزد هم
- به بهانه های رنگارنگ، طفره
رفت تا اینکه ما ندانیم، هر آنچه را که
بود با لاکشید و برای ادانه غارت
- گری خود، با همدستی وزارت کار
افراد را به عنوان شورا برپیمان
استنفا کردند که در کارخانه ما شان
جز بارش با کارفرما و مشتکی تا به -

دو روز تعطیل، ۴۰ ساعت کار در هفته، حق مسلم کارگران است

اجرای قانون "شرایط انتخاب قضات دادگستری" معنی اش خانه نشین...

بقیه از صفحه ۱

"دستگاه مطمئنی تلقی نمیشد. از این رو رژیم شاه نه تنها خود هیچگاه از مرعاه متهمین را به دادگاههای دادگستری واگذار نکرد بلکه با وجودیکه بارها و بارها از طرف مراجع جهانی دفاع از حقوق بشر تحت فشار گذاشته شد که محاکمات متهمین سیاسی را به دادگستری واگذار کنند ولی رژیم هیچگاه زیر بار چنین کاری نرفت. و در چند مورد هم که در اوایل رژیم شاه محاکمه دانشجویان و متهمین سیاسی تحت فشار مردم و صف رژیم، به دادگستری واگذار شد همه آنها از اتهامات تبرئه گردیده و آزاد شدند.

رژیم جمهوری اسلامی هم بدلیل خود را با دادگستری و با قضاوت و وکلای دادگستری در تضاد دید:

یکی اینکه این ارگان - آنهم پس از قیام ۲۲ بهمن - نمیتوانست مطیع و منفاد و گوش فرمان این رژیم گمنام و دیگر اینکه سرمداران رژیم که قصد پیاده کردن قوانین شرعی را در محاکم داشتند نمیتوانستند با وضع موجود دادگستری و بافت عرفی آن بسازند. اما از آنجا که - اینکه کارگزاران برای اداره آن به سیاق خود ندانند و در ضمن نمیتوانستند آنرا تعطیل کنند لذا با سیاست گام به گام به آن برخورد کردند:

ابتدا راس آن یعنی شورای عالی قضائی را تسخیر کرده و مهمترین مهره شان، یعنی آیت الله بهشتی را در راس آن نشانند. در ضمن همچون رژیم شاه، بخشی از وظایف قوه قضائیه را به عهده دادگاههای اختصاصی چون دادگاه انقلاب، دادگاههای امور صغیر، دادگاههای مبارزه با منکرات و دادگاههای مبارزه با مواد مخدر که همگی در حکم دادگاههای شرعی شروع بوده و بر اساس مقررات شرعی اداره میشوند، گذاشتند. علاوه بر اینها برای دعاوی خانواده هم "دادگاه مدنی" خاص که بوسیله قضات شرعی اداره میشوند، ایجاد کردند. با این ترتیب بخش مهمی از اختیارات و صلاحیت های محاکم دادگستری (بمراعات بیشتر از زمان شاه) از آن منتزاع و در اختیار دادگاههای شرعی گذاشته شد. شورا، یعنی قضائی هم تمام امور مربوط به استخدام و عزل و نصب قضات را به عهده گرفت و هر کجا مزاحمی دید (تظییر قضائی که با لایحه - قضائی مخالفت کرده بودند) از سر راه برداشت.

در این میان در جهت محدود کردن دیگری از قوه قضائیه، یعنی وکلای دادگستری، شورای عالی قضائی برخلاف اصل استقلال کانون وکلا، در امور آنان دخالت کرد. از انجام انتخابات دوره ای کانون وکلا که در حال برگزاری بود جلوگیری کرد و عملاً کانون را بحال تعلیق درآورد. چندی نگذشت که دستور تخلیه اطرافهای کانون وکلای - که سالها در قسمتی از ساختمان مرکزی دادگستری مستقر بود - صادر کرد و پس از مقام و مستقری که از جانب کانون وکلای مستقل آمد، وکلای را رشد محل کانون را تخلیه کنند. در ضمن رژیم با جلوگیری کردن از حضور وکیل مدافع در دادگاههای شرعی (که این خود برخلاف قانون اساسی جمهوری اسلامی است) عملاً بخش عمده ای از وکلای دادگستری را خانه نشین کرد.

دوماً به پیش شورای عالی قضائی بسا انحلال دوره اخیر کارآموزی قضائی که در شرف اتمام بود، به بیاتنایکگاه اکثریت

کارآموزان، اضا انقلاب و فاق صلاحیت قاضی شدن هستند، نشان داد که رژیم در آستانه یکسره کردن کار بیهوده و تفرقه افکنی کامل دادگستری است. و طولی نکشد که آخرین قدم برای تسخیر گام به گام دادگستری با تصویب ماده واحده "شرایط انتخاب قضات دادگستری" در اوایل دیماه برداشته میشود!

این قانون که ظاهراً "نحوه استخدام قضات دادگستری و شرایط آنها را تعیین کرده است با آوردن تبصره ای در آخر آن تمام قضات شاغل فعلی دادگستری را هم شامل این قانون دانسته است. با این ترتیب کلیه قضات دادگاهها - از دادگاههای صلح گرفته تا دیوان عالی کشور - همچنین با زیر بار، دادیاران و دادستانها و خلاصه کلیه کارمندان قضائی را زیر سوال برده و اینطور که معلوم است پس از برپا کردن این قانون در مورد قضاوت، سویت وکلای دادگستری هم خواهد رسید. و با این ترتیب فاقه دادگستری خوانده خواهد شد!

با نگاهی به روند حرکت گام به گام جاکمیت در راه تصویب ماده واحده "شرایط انتخاب قضات" ببینیم شرایط انتخاب قضات چگونه است و چه کسانی میتوانند از این فیلتر شرایط ذکر شده برای کانون گذشته و "بکسوت قضاوت" در جمهوری اسلامی درآیند؟ و ضمناً ببینیم چه سرنوشتی در انتظار قضات شاغل قرار دارد؟

اولین شرطی که قانون برای قاضی گذاشته مرد بودن است. با این ترتیب حتی که زنان میهن ما از سالها پیش با این طرف کسب کردند که نمیتوانستند قاضی شوند رسماً "از آنها سلب گردیده است. ماده - واحده با این جمله آغاز میشود:

"قضات از میان مردان واجد شرایط زیر انتخاب میشوند.
 اکنون در اکثر کشورهای جهان و از جمله کشورهای اسلامی زنان از احراز شغل قضاوت و وکالت دادگستری بهره مند هستند و تنها کشورهای ارتجاعی نظیر عربستان سعودی هستند که زنان را از چنین حقی محروم کرده اند و اینک بنا بر قانون تصویب شده توسط "مجلس شورای اسلامی" این حق زنان ایران رسماً "از آنها گرفته شده است!"

در ماده ۹ قانون "ایمان و عدالت و تعهد عملی نسبت به موازین اسلامی و وفاداری به جمهوری اسلامی" از شرایط قاضی بودن قید شده است. این شرط - آنچنان کنش رو قابل تفسیر است که رژیم میتواند با کوچکترین بهانه ای با ستاد این ماده قاضی را معلق کند. از طرفی اینکه چگونه "ایمان و عدالت" را برای فردی که میخواهد قاضی شود از او خواهند کرد و مسئله است اما آنچه روشن است اینست که در اینجا تمام ریش و قیچی بدست شورای عالی قضائی سپرده شده است.

اما همه شرایط فوق و سایر شرایطی که در بندهای دیگر ذکر شده است بکلیت بنده ماده واحده در واقع شرط اصلی است و همین شرط است که تکلیف تمام قضات فعلی و آنهایی را که در آینده استخدام خواهند کرد، روشن میکند!

بنده شرط قاضی شدن را چنین مقرر میدارد: "دارا بودن اجزای تشخیصی شورای عالی قضائی یا اجازه قضا از جانب شورای عالی قضائی یا هیئت منتخب

شورای مزبور مرکب از سه نفر مجتهد عادل کما ملا" واضح است که این دیگران - شروطی است که بجز روحانیون مورد اعتماد شورای عالی قضائی کس دیگری نمیتواند از جای خود بگذرد. اجازه قضا "از جانب شورای عالی قضائی به روحانیون و معتمنین تحت عنوان حکام شرع داده شده است و تشخیص اینکه فردی دارای اجزای است از طرف شورای عالی قضائی در صورتیکه در سلک روحانی نباشد باز - محالات است بنا بر این بسیار بعید است که فارغ التحصیلان دانشگاه حقوق بتوانند چنین حقی را از جانب شورای عالی قضائی بدست آورند، مگر تعداد بسیار معدودی از آنها که روحانی بوده اند و با بنحوی به دستگاه روحانیت وابستگی داشته باشند. پس از هم اکنون واضح و مبرهن است که دانشگاه حقوق هم فاقه اش خوانده شده است و محلی از اعراب ندارد تا اینجا معلوم است که قضات استخفا برای دادگستری جمهوری اسلامی از چه قضائی برگزیده خواهند شد: با رغبت تحصیل حوزه های علمیه قم و مشهد و... احیاناً با گذران دوره های کوتاه و جداگانه که چند واحدی مثلاً "در مورد حقوق بیسن - الملل و حقوق اداری بخوانند و چنین قضائی هم تنها میتوانستند مجری قوانین شرعی باشند. پس با این ترتیب مسئله دیگری هم روشن میگردد که تمام قوانین موجود تغییر کرده و قوانین شرعی و مذهبی جانشین آنها میگردد و بطوریکه گفته شده این مقررات نظیر قانون قضا و... از رساله "توضیح الوسیله" خمینی استخراج خواهد شد!

اما همه نظریه که گفتیم، تدوین کنندگان این قانون شرایط قاضی شدن را تنها برای کسانی که در آینده میخواهند قاضی شوند در نظر گرفته بلکه مقرراتی است که تمام کارمندان قضائی دادگستری هم باید با این شرایط تطبیق داده شوند و وگرنه به خدمتشان خاتمه داده خواهد شد!

تصوره ماده واحده میگوید: "شرایطی که در این قانون برای قاضی ذکر شده در مورد قضات شاغل نیز با بدراعت شود و رسیدگی با این قسمت بر عهده شورای عالی قضائی است. شورای عالی قضائی میتواند کسانی را که بر اساس این رسیدگی واجد این شرایط نباشند یا زشته کنند و یا به کار غیرقضائی بکار و وگرنه با بقه خدمت آنها با ز خرید میشود.

با شناختی که از شورای عالی قضائی وجود دارد و مقادیر مقررات فوق بحرکت است میتوان گفت که صدی نود قضات فعلی دادگستری مقبول شورای عالی قضائی واقع نخواهند شد و کارمندان قضائی از هم خواهد شد!

اینک این سوال در مقابل قضات وکلای دادگستری و حقوقدانان قرار گرفته است که در مقابل چنین قوانینی و چنین اوضاعی و چشم اندازی که رژیم جمهوری اسلامی برای به کرسی نشاندن قوانین ارتجاعی نظیر قضا و... دارد چه باید کرد؟ آیا میتوان با پند و اندرز رژیم را وارد کرد که از چنین اعمال ارتجاعی و با زگرداندن جامعه به قرون وسطی دست بردارد؟ آیا میتوان با طرح پیشنهاد تعویض و یا اصلاح فلان بند و تبصره مسئله را حل کرد؟ و آیا حتی امکان انجام چنین



قطعنامه درباره مرحله انقلاب و روش سیاسی پرولتاریا در انقلاب دمکراتیک

۱- جامعه ایران، یک جامعه سرمایه داری وابسته، تحت سلطه امپریالیسم جهانی سرکردگی امپریالیسم آمریکا و جزئی از سیستم جهانی نواستعمارست. با تحولات رفرمیستی اوائل دهه چهل که در رفرم رضی و توسعه صنایع مونتاز و ... متجلی شد و جهت تولید سرمایه داری بر ایران مسلط شد، فتوایلیسم بعنوان یکی از پایگاههای امپریالیسم از قدرت سیاسی و اجتماعی حذف و سرمایه داری وابسته بعنوان تنها کانسال تا مین منافع امپریالیسم درآمد. این تحول که ناشی از نیازهای سیستم جهانی امپریالیستی و درزای آنهاست، امپریالیسم آمریکا به بازاریهای جدید و نیز رشد تظاهرات درونی سیستم حاکم بود، بهیچ روی در جهت منافع اناسی نوده ها، بهبود وضعیت آنها، دگرگونی بنیادی نیروهای مولد، استقلال ملی و دمکراتیزه شدن جامعه نبود، بلکه منجر به ادغام کامل شرایط ایران در بازار جهانی سرمایه داری و تقسیم کار بین المللی آن گردید.

وابستگی به امپریالیسم و سرمایه داری دوجز لاینفک نظام اقتصادی - اجتماعی حاکم بر ایران محسوب میشوند، و امپریالیسم و سرمایه داری وابسته، اصلی ترین و نخستین مانع رشد نیروهای مولد و تکامل جامعه محسوب میگرددند.

از اینرو هر تحول انقلابی در میهن ما باید ناظر بر بروداشتن این مانع اصلی از جلورشد نیروهای مولد و تکامل جامعه باشد.

۲- انقلاب ایران یک انقلاب دمکراتیک بوده است. نظریه عقب افتادگی نیروهای مولد، وجود اقتار وسیع خرده بورژوازی بسا خواسته های سیاسی و اجتماعی ... تسلط امپریالیسم و ...

نظریه ضعف عینی و ذهنی پرولتاریای ایران و نظریه اینکه در مجموع شرایط عینی و ذهنی برای یک انقلاب سوسیالیستی فراهم نیست، از اینرو انقلاب ایران درگام اول نه یک انقلاب سوسیالیستی بلکه یک انقلاب دمکراتیک بوده است.

انقلاب دمکراتیک توده های ایران که با خصیصه های ضد امپریالیستی دمکراتیک و ضد سرمایه داری وابسته مشخص میشود، سرنگونی طبقه حاکم، برانداختن سلطه امپریالیستی و کسب استقلال ملی، دمکراتیزه کردن جامعه، تأمین آزادیهای سیاسی و مدنی، ورشد نیروهای مولده را هدف نخستین خود قرار میدهد.

خصلت ضد سرمایه داری در انقلاب ایران عنا صروسوسیالیستی این انقلاب را تقویت میکند. پرولتاریای ایران که بنا به رسالت تاریخی خود با "در راه استقرار سوسیالیسم" ایجاد یک جامعه عاری از - ستم و استثمار مبارزه میکند، بیگیزترین طبقه انقلابیست که منافع خود را در تحقق هر چه را دیکال تر اهداف انقلاب دمکراتیک می بیند.

پرولتاریای ایران تنها طبقه ایست که قادر است توده های وسیع زحمتکش را در انقلاب دمکراتیک توده ای رهبری کند و انقلاب را به پیروزی قطعی برساند. هیچ طبقه و قشر دیگری قادر نیست انقلاب را به سرانجام قطعی اش برساند.

۳- انقلاب دمکراتیک توده های ایران یک مرحله گذار به سوسیالیسم محسوب میشود و مضمون طبقاتی آنزد دیکتاتورهای انقلابی دمکراتیک کارگران و اقشار ربا شین و میانی خرده بورژوازی شهر و روستا تشکیل میدهد.

در انقلاب دمکراتیک توده های ایران خرده بورژوازی اقشار میانی و پائینی

شهر و روستا (دمکراسی انقلابی) متحدین پرولتاریا و لایه های فوقانی خرده - بورژوازی (ناسیونال رفرمیسم و سوسیال رفرمیسم) در موضع بینا بینسی قرار دارند.

امپریالیسم جهانی سرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلی آن (بورژوازی وابسته و دیگر مرتجعین) دشمنان انقلاب محسوب میگرددند.

جنبش های رهاشی بخش ملل تحت ستم، اردوگاه سوسیالیستی و پرولتاریای کشورهای سرمایه داری متحدین پرولتاریا در عرصه بین المللی هستند.

پرولتاریای ایران بمنظور پیروزی قطعی انقلاب دمکراتیک توده های ایران، دمکراسی انقلابی را از موضع با فشاری روی دمکراسی پیگیر پرولتاری خود ملحق میکند. ناسیونال رفرمیسم و سوسیال رفرمیسم را منفرد میسازد، و با درهم شکستن ماشین دولتی طبقه حاکم، بورژوازی را سرنگون میسازد، سلطه امپریالیسم را بر میاندازد، جمهوری دمکراتیک انقلابی کارگران و زحمتکشان شهر و روستا را که مبتنی بر شوراهای مسلح کارگران دهقانان یا دیگر تشکلهای انقلابی توده های ... میباشد، مستقر میسازد و انقلاب را به پیروزی قطعی میرساند.

در این راه اول پرولتاریا به حزب انقلابی پیشران زاده شود. بدون آن پیروزی قطعی انقلاب تضمین نخواهند شد.

ثانیا - دومین رکن اساسی تحقق اهداف و پیروزی انقلابها تا جبهه واحد انقلابی توده ایست.

ثالثا - ایجاد ارتش ملی، خلق رکن اساسی دیگر انقلاب دمکراتیک و لیکه لاینفک یک کل محسوب هستند که در این میان نقش عمده را تا مین و تحکیم هر سونی طبقه کارگران است که تضمین اساسی برای اطمینان و تکامل انقلاب در راستای سوسیالیسم توانند بود.

قطعنامه درباره روش برخورد به احزاب سازمانها و گروههای سیاسی

نظریه اینکه وظیفه تکمیل انقلاب دمکراتیک توده های ایران به مثابه امری فوری در دستور کار قرار گرفته است. نظریه این که شناخت نقش و موقعیت شیوه برخورد هر سازمان سیاسی به امر انقلاب ما را در اجرای وظائف انقلابی خودیاری میرساند.

لذا کنگره شیوه برخورد به احزاب، سازمان ها و گروه های سیاسی موجود را به شرح زیر تصویب میکند:

۱- احزاب، سازمانها و گروههای سیاسی ضد انقلابی الف - سازمان های سیاسی وابسته به بورژوازی بزرگ: این سازمان ها که از منافع طبقاتی بورژوازی بزرگ و امپریالیسم جهانی دفاع میکنند و پس از انقلاب از قدرت سیاسی محروم شده اند میگویند که نظم سیاسی گذشته را دوباره احیا کنند و انقلاب را به شکست قطعی سوق دهند. نما سازمان های سیاسی وابسته به سلطنت طلبان، باندهای فراری ارتش

"جمهوری خواهان" فراری، که اکنون فعالیت مشترک خود را در یک جبهه ضد انقلابی مشترک با شرکت بختیار، علی امینسی، جبهه ملی، حزب خلق مسلمان، اویسی و دیگر وابستگان و حامیان رژیم سلطنتی پیش میبرند، همگی جزء جریانات و سازمان های ضد انقلابی محسوب شده و دشمن سوگند خورده انقلاب ایران و خلق های تحت ستم ایران محسوب میگرددند.

از اینرو سیاست ما در قبال این جریانات ضد انقلابی، مبارزه همه جانبه علیه آنهاست.

ب - سازمان های سیاسی وابسته به بورژوازی متوسط:

۱- نمایندگان بورژوازی به اصطلاح لیبرال که تا مل "نهضت آزادی"، دفتنسر هما هنگی و ... است.

۲- حزب جمهوری اسلامی که یک حزب ارتجاعی و وابسته به بورژوازی تجاری - متوسط و در پیوند با روحانیت معتقد به ولایت فقیه است.

احزاب و سازمانهای وابسته به

بورژوازی متوسط که از جناح بورژوازی دفاع میکنند نیز تلاش می کنند که فعالیت را به شکست قطعی سوق دهند، این احزاب در زمره سازمان های سیاسی ضد انقلابی محسوب میشوند و وظیفه ما مبارزه جدی علیه آنهاست.

ج - احزاب، گروهها و سازمان های سوسیال شوونیست - این سازمان های سیاسی که با دفاع از تزارنجاتی "سه جهان" مدافعین شوونیسم محسوب میشوند، در سیاست داخلی و خارجی به بورژوازی خدمت میکنند و در کنار امپریالیسم قرار میگیرند، آنها دشمن پرولتاریای ایران و جهان و کشورهای سوسیالیستی هستند و در زمره سازمان های ضد انقلابی محسوب میشوند. مبارزه علیه آنها یک امر ضروری است. حزب رنجبران نمونه یک چنین احزاب و گروه های محسوب میشود.

۲- احزاب، سازمانها و گروههای سیاسی بنابینی که

بقیه در صفحه ۶



قطعنامه در باره روش برخورد به ...

بقیه از صفحه ۵

از نظر طبقاتی اربانفای لایه های فوقانی خرده بورژوازی
دفاع میکنند و در انقلاب دارای موضع بنیادی هستند

الف - احزاب و گروهها و سازمان های
سوسیال رفرمیست - این احزاب و
سازمانها که تکیه گاه بورژوازی در جنبش
طبقه کارگر ایران محسوب میشوند و بیگانه
طبقه های لایه های فوقانی خرده -
بورژوازی است، بنا به ما هیبت طبقه های
خود در انقلاب موضع بینایی دارند.

آنها اکنون از ضد انقلاب حاکم حمایت
میکنند. سیاست عمومی ما در مرحله انقلاب
دمکراتیک بوده ای ایران این است که
آن ها را افشاء، منفردوسی طرف نام
برجسته ترین این سازمان های سیاسی
حزب بوده و جناح راست اکثریت است.

ب - سازمان ها و گروه های ناسیونال
- رفرمیست : این سازمان ها و گروه ها نیز
که از منافع طبقاتی لایه های فوقانی
خرده بورژوازی دفاع میکنند در انقلاب
ایران دارای موضع بینایی هستند.
سیاست ما در قبال این جریانها ت
منفرد کردن آنهاست. در این زمینه میتوان
به جنبش مسلمانان مبارز اشاره کرد.

۳ - احزاب و سازمانها و گروههای انقلابی
این سازمانها نمایندگان اقشار
و طبقات انقلابی از جمله طبقه کارگر و

لایه های پائینی و متوسط خرده بورژوازی
را برعهده دارند و از منافع طبقاتی آنها
دفاع میکنند.

الف - سازمان ها و گروههای

مارکسیست - لنینیست انقلابی : این
سازمانها و گروهها که گرایش انقلابی را در
درون جنبش کمونیستی و کارگری ایران
نمایندگی میکنند و از منافع طبقه کارگر
دفاع میکنند از جهت مواضع آیدئولوژیک
در سطح جهانی از یکسو و روبرویونسم
حزب و از سوی دیگر با مدافعین
ترسوسیالیسم امپریالیسم مرزبندی دارند
و در سطح ملی در برگیرنده سازمانها و
گروههای جوان راه کارگر، جناح چپ و
اکثریت چریک های فدائی خلق میباشد
این جریانها سیاسی در زمره یکپسین ترین
سازمانهای انقلابی موجود محسوب میشوند.
از این رو سیاست ما در قبال این سازمانها
نه تنها اتحادی است بلکه تلاش به مثابه سازمانهای
انقلابی، بلکه تلاش در جهت وحدت جنبش
کمونیستی ایران است.

ب - سازمان ها و گروه های که در یک
طبقه کلی به نام خط ۲ شناخته میشوند، اگر
چیزا بدیش تر سوسیالیسم امپریالیسم در
مواضع آیدئولوژیک خود دچار انحراف شده
و نمی توانند، در یک وحدت حزبی با ما
قرار گیرند، اما ما ما دم که امپریالیسم
آمریکا و بیگانه ها غلبه آن را دشمن اصلی
خلق های ایران میدانند و در قبال حاکمیت
ضد انقلابی، موضعی انقلابی دارند، در
زمره سازمانهای انقلابی محسوب میشوند و
ما میتوانیم با آن ها اتحاد و همکاری داشته
باشیم. در این زمینه میتوان به کومله،

بیکار، اتحاد مبارزان و ... اشاره کرد.
ج - احزاب، سازمان ها و گروههای
دمکرات انقلابی :
این سازمانهای سیاسی که از منافع
طبقاتی و تمایلات لایه های پائینی و
متوسط خرده بورژوازی دفاع میکنند
دارای خصوصیات انقلابی بوده و در مرحله
انقلاب دمکراتیک جزء نیروهای انقلابی
محسوب میشوند. اما در عین حال باید علیه
نابینگری آن ها مبارزه کرد، و خلافت
سوسیالیستی کاذب نظرات آنها را افشاء
نمود. برجسته ترین این سازمانهای
سیاسی سازمان مجاهدین خلق ایران
است.

۴ - احزاب، سازمانها و گروههای محلی و منطقه ای
(وابسته به علنیای تحت ستم ایران)

در این زمینه میتوان
به حزب دمکرات کردستان اشاره کرد.
این حزب که محور شکل آن مسئله ملی
است و علیرغم این که بنا به خصوصیت خود
در برگیرنده طبقات وسیعی از نیروهای
طبقه ای در کردستان است، با این وجود
در کلیت خود، با توجه به عملکرد، برنامه
و ترکیب طبقاتی اش از منافع طبقاتی
لایه های فوقانی خرده بورژوازی و بورژوازی
محلی خلق کرد دفاع میکند. این حزب بنا
- به ما هیبت طبقاتی خود در مرحله انقلاب
دمکراتیک موضعی بینایی دارد. اما
در شرایط کنونی به صف نیروهای انقلاب
پیوسته است و ما از مضمون دمکراتیک
مبارزه ای که بدان دست میزند، حمایت
و پشتیبانی میکنیم.

پيام نخستين كنگره به ...

بقیه از صفحه ۱۰
نیروهای سیاسی بیرون میآوریم و دوباره
ما رشظفر نمون جنبش انقلابی به صدا -
درخواستها و ادوایشنا رهبر جنبش تیروئی قادر -
نیست، سردکارگران و زحمتکشان را، تا
تا بودی نظام کهنه، حاکم، متوقف سازد.
تردیدی نداشته باشم که با نخستین
اعتمادات سیاسی عمومی کارگران، رژیم
خمینی هم همچون رژیم شاه، به ورطه نابودی
خواهد افتاد، اگر نخستین وزش تندبساد
جنبش توده ای وزیدن بگیرد، آنگاه شعله
- های خشم میلیونها کارگر و زحمتکش
از زیر خاکستر دهها هزار کمونیست و مبارز
زبانخواه گشاید و اینسپاریا به تجارب
انبوهی که ما و توده ها کسب کرده ایم، دیگر
نظام گندیده حاکم محو و نابود خواهد شد.
با ایمان به این حقیقت که پیروزی -
قطعی انقلاب در گرو رهبری پرولتاریا
قرار دارد و رهبری پرولتاریا بدون شکل
و انسجام آنان در تشکلات آهنگس و ستاد
رزمنده، آن حزب کمونیست امکان پذیر
نیست. با سازماندهی اعتمادات سیاسی
عمومی کارگران، با مدخله، فعال و
آگاهانه در جنبش انقلابی خلق، از هم
اکنون که میروای عملی را در جهت ایجاد
ستاد رزمنده پرولتاریا، به پیش برداریم
پیروزی دمبارزات انقلابی کارگران
و زحمتکشان اینسپاریا
عرب پر رژیم جمهوری اسلامی
تا سودا امپریالیسم جهانی -
سرکردگی امپریالیسم آمریکا و بیگانه
داخلین
شرکت کنندگان در اولین کنگره سازمان
چریکهای فدائی خلق ایران

با کمکهای مالی خود سازمان رایاری رسانید

۱۱۲۳	ب	اسکندراسدیان	توکل اسدیان	بقیه برود	الف
۵۰۰۰	کار	۴۲۰۰	کمک به نشریه	رفیق توکل	۴۰۳۳
۵۳۲۳	کامران علیوی	بیشکا مرزبان شهر	ق ک	اسدیان	۱۴۰۰
۵۱۱۱	ه	۵۰۰۰ (ایمان)	روح اله الماسی	ح	۱۶۰۰
۶۰۰۰	کار	۵۰۰۰ (ف ۲۰۰)	رفعی سنج	ح	۲۶۰۰
سعیدسلطانپور	م	۱۱۲۳۳ کمک	رفیق کارگر	رفیق کارگر	۱۵۱۶۹
۱۰۰۰	به صدوق بیکاری	رفیق شاهین	۲۰۰۰	مکانیک کمک	۱۰۱۲۱
رفیق همایون	سرخ	۴۰۰۰ ریال	اتحاد	به نشریه	۵۳۳۳
۲۰۰۰	شفق	۱۰۰۰	۲۰۲۱	چهار	۵۰۰
بدون کد	ر-خ	کوبین	رفیق ۱۳۶۴	هنر رفیق توکل	۱۵۰۰۴
رفیق جوبان	ر-ح	عدد	۱۵۰۰ ریال	رفیق مرتضی	۱۱۱۱
۵۰۰۰	ر-ج	۲۰۰۰ عدد	باتوق موچهری	طاشی	۳۷۲۲
ط - ۲۵ - ۲۵	ر-ب	بدون کد	جهان	رفیق روح اله	۴۱۰۰
مینا - ۵۰۰۰	دبیرستان	۵۵۰۰	کارگر تراشکار	الماسی	۶۰۰
ر-ب - ۱۰۰۰	رفیق مریم مانت	س ۱۱۹ - کوبین	۵۵۵۵	رفیق ناصر	ع
۱۷۵۰	شماره رسیده	رفیق ایده کوبین	هوادر مجاهد	فتوی	۲۰۵۶
رفیق پژمان	رفقای ایده کوبین	بشترین ۲۰ لیتر	م - ب - خ	رفیق جعفر	۵۲۳۹
۵۰۰	ش ۲۳۵ - ۶۰۰۰	خ - کوبین	۵۰۰	دلیر	۱۰۰۰
روزبه	۲۰۰۰۰	رفقای اراک	رادپوتلو بیون	نینا	۲۰۰۰
اسکندر	۲۰۰۰	ف	س - ا - اسکندر	رفیق اسکندر	۱۷۲۲
چهارگوارا	۲۸۰۰	ش - سیا هکل	۵۰۰۰ ریال	بیا مک	۵۰۰۰
رفقای برود	۲۰۰۰	الف سیا هکل	۱۱۱۱	رفقای خرم آباد	۱۱۱۱
گاردپروولتری	۶۰۰۰	۴۵۰۳	م	اسکندر	۲۵۵۵
۱۵۰۰	۲۰۰۰	ف - ۵ عدد	اصغر خاوری	م	۱۵۰۰۵
رفیق توکل اسدیان	۲۰۰۰	کوبین	۲۰۰۰	حمیدرضا ماهیگر	ن
۵۰۰	۴۵۰۳	رفقای درود	رفقای کسرج	ناصر فتوتی	۲۵۵۵
دومیتلا	۳۸۰۰	۲۳۳۰۰	صفورا	جعفر دلیر	۵۰۶۶
رفیق توکل	۱۰۰۰	حجت علی	ف	۷۵۰	ه
اسدیان	۱۰۰۰	۲۳۳۰۰	ز	۱۰۰۰	سیا مک اسدیان
حمیدماهیگیر	۶۵۰	۲۳۳۰۰	مهیند	۵۰۰۰	۵۰۰۰
			۱۵۳ ریال		
			اسکندر		

پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک خلقهای ایران



توضیح هیئت تحریریه پیرامون بند او ۲



تطعمانه در باره مرحله انقلاب و روش سیاسی پرولتاریا در انقلاب دموکراتیک

۱- از سال های ۱۸۸۰، ایران وارد مدار بازاری جهانی شد. در حالی که هنوز - مرحله انباشت آغازین سرمایه را پشت سر نهاده بود، و در حالی که سرمایه های خارجی با آغاز روند انحصاری شدن بجای آنکه نقش انباشت آغازین را ایفا کنند، (با متدا میرکا) به بازار غارت، خروج سرمایه به مرکز، و ممانعت اربسط سرمایه - داری صنعتی تبدیل شدند. رفا - است تولیدات دستی یا کالاهای خارجی - و رشکستگی تولیدکنندگان خرده با سرعت می بخشید و آنان به صف معرا با مها چریس (عمدتا "نه فقفا ز) می پیوستند. در همین زمان، صادرات مواد خام (معدنی و کشاورزی) گسترش می یافت که از یکسو منجر به افزایش بهره زمین و از سوی دیگر گرایش سرمایه به تجاری و سوداگرانه زمین شد. گرچه مجلس اول، تولیدداری را ملغی کرد، اما با ورود سرمایه به زمین، همراه با حفظ انواع بهره کشی ما فیل سرمایه داری، و وابستگی دهقانان به زمین گسترش یافت، و انقلاب ارضی به مثابه مساله فوری و عمده - انقلاب ایران تجلی کرد.

سلطنت و سرنگونی یوغ امپریالیستی - این مسیر مستلزم رهبری پرولتاریا بود - یا مسیر ادغام کامل تر ایران در بازار جهانی سرمایه داری و انطباق شرایط ساختی با آن - این مسیر در آغاز - دهه، چهل آشکار شد در فرم ارضی، توسعه صنایع مونتاژ و... تجلی کرد. مکانیزم هایی که در این دوران - اقتصاد ایران را وابسته به انحصارات امپریالیستی می کردند، عبارت بودند از: میادیه، نابرابری که ما را از عظمی از طریق تفاوت های بازاری های کار پدید آمد میادیه و انقلاب تکنولوژیک به تفا و تنی کیفی رسیده بود. صدور سرمایه به شکل - صدور وسایل تولید، سیکل صنایع مونتاژ

است. خرده بورژوازی، بخش وسیعی از جمعیت ایران را تشکیل می دهد. به یک معنا، ایران کشوری خرده بورژوازی است. تاریخ ایران، بارزترین خاصیت خود را در این طبقه منعکس کرده است. ورشکستگی تولیدکنندگان خرده با، همراه با ورود ایران به بازاری جهانی، فحطی های بی پای و - مهاجرت های وسیع دهقانان از یکسو، و شورش های دهقانی همراه با قیام های شهیدستان شهری از سوی دیگر، در دوران مشروطه، میزان ستم بر این بخش از جامعه و میزان حساسیت آن را منعکس میکنند.

سیادت استعماری و سلطه سرمایه های مالی، به عقاید اقتصادی اقتصاد داری دامن زدند، تا جایی که قرارداد ۱۹۰۷، ایران را به زان شده استعماری روسیه و انگلستان تبدیل کرد و مسیر انکشاف آزاد سرمایه داری بطور قطع سد میشد. جنگ های داخلی در از مدت در این دوران (که تنها سال های ۱۹۲۰ ادامه یافت)، نه تنها علیه استبداد سلطنتی قاجار و اشرافیت زمیندار، بلکه هم علیه یوغ استعماری - امپریالیسم جهت گیری میکرد. فحطی سال ۱۹۱۸، شورش های دهقانی را گسترش بخشید. در این میان انگلستان خود عاملی بود در افزایش قیمت غله، همچنین در سال ۱۹۱۹، قرارداد استعماری دیگری را پیش کشید که ایران را کاملاً به استعماره انگلستان تبدیل میکرد. جنبش های انقلابی کارگران و دهقانان نه تنها خواست انقلاب ارضی و سرنگونی سلطنت بلکه هم محوسادات استعماری را پیش میکشید. در سرتوجه مشور کارگران انحصاری تهران، در ۱۹۲۰ نوشته شده بود: "تا نبود با دا استعمار انگلستان -

یا صنایع جایگزینی و واردات. در همین دوره است که وجه تولید سرمایه داری مسلط شده منجر به تغییر تناسب نیروهای طبقه می شود. ۲- برای خصلت بندی طبقات اجتماعی ایران، لازم است که پیش از همه، آنها را در شرایط تاریخی، مدنظر قرار داد. سلطه اشرافیت زمیندار، با انقلاب مشروطه برتیا فتاده، بلکه حتی با ورود و رواج بورژوازی تجاری به سمت کشاورزی، شاهدا استحکام طبقه ملاکین و زمینداران بزرگ شدیم، آنان در حزب اتحادی (همراه با روحانیت) متشکل شدند و در استحکام سلطه استعماری نقش ایفا کردند. تا دوران فرم ارضی، آنان در سلطنت، ارگان سیادت سیاسی خود را میدیدند. بخشی از بلوک قدرت را تشکیل می دادند. و در دوران اخیر، با تغییر ساختار طبقاتی تنها به صورت مرده ریگ دوران کهنه، درآمدند که در - تناسب نیروها فاقد کمترین اهمیت اند. بورژوازی صنعتی در آغاز قرن بیستم تقریباً وجود نداشت. بورژوازی ایران (که عموماً تجاری و کمپرادور بود)، مرکز اربط مشروطه فرا تر نسبت و همواره در لحظات فطقی به توده های انقلابی خیانت کرد. صف بورژوازی، بزای به انجام رساندن انقلاب بورژوازی دموکراتیک و دست یابیه های داخلی انباشت سرمایه، در درآمدت آن را از ایفای نقش مستقل سازیدانت و به محافظه کاری، خیانت گسری و سازش با سلطنت می کشاند. حزب دموکرات که در ۱۹۰۶ با گرفت نموده سازش آن با زمینداران بزرگ و ملاکین بود. جنبش - ملی سالهای ۲۰، نمودار دیگری از ضعف و شکست تاریخی آن بود و چشم انداز آن را به صورت طبیعی ای که می باید تحت صنعتی شدن و بسته و غیراگراییک، اقتصاد وابسته و شرایط عقب افتادگی سازمان یابد. گسود، بورژوازی ایران، از دهه چهل به صورت طبقه حاکم درآمد، منتها در شرایط ادغام خود در تعدید تقسیم بین - العطلی کاروانطبقی خود است. کمال جدید ساختیهاست سرمایه. این طبقه گرچه بر اساس سیکل های گردن تجارتی، با یکی وضعیت و منظر کورترا کم سرمایه (بزرگ و متوسط و کوچک) اداری لانه بندی - های گوناگون است، اما در کل وابسته

خرد بورژوازی، اما تاکنون نقش مستقلی ایفا نکرده است. در دوران مشروطه، لایه های بالائی و مرده آن در حزب دموکرات متشکل شدند و لایه های میانی و شهیدست آن در سوسال دموکراسی، سوسال دموکراسی، اما، خود را محدود کرده، اصلاحات دموکراتیک فرا تر سمرقت و اینجا و آنجا به جانب بورژوازی کشیده میشد. از سال ۱۹۱۹ به بعد، بخش های مختلف آن سبه همکاری نزدیک تر با حزب کمونیست ایران پیدا کردند. در دوره، جنبش ملی شدن نفت با زاین بورژوازی بود که خرده بورژوازی را به سمت خود کشاند. با بر ملا شدن ضعف و شکست تاریخی بورژوازی ملی، خرده - بورژوازی از روی استحمال و تنگ نظری فقدان رهبری انقلابی پرولتاریا بود، به رهبری خمینی کردن نهاد توسعه - سرمایه داری در دهه های ۴۰ و ۵۰، در لایه بندی های خرده بورژوازی تغییرات عظیمی پدید آورد. از یکسو، تعدید تفکیک طبقاتی در روستا و از سوی دیگر گسترش لایه های جدید خرده بورژوازی، به افتراق در موامع طبقاتی خرده بورژوازی دامن زدند. توده های شهیدست شهر و روستا، خرده بیشتر به مواج علیه طبقه حاکم کشیده میشوند و لایه های فوقانی خرده بورژوازی به سمت جد رندی مدرن (بورژوازی) و جامعه مرفه مصرف کننده، کشیده میشوند. در این میان می باید ریفینس انقلابی دانشجویان، اکثریت کارمندان و... سبزی دگر دگر در معرض ستم، اخلاق و تاثیرات ویرانگر بحران های جامعه سرمایه داری قرار دارند.

دوران بعدی، که در عین حال دوران گسورس در از مدت سرمایه داری جهان است (انقلاب تکنولوژیک، و سیکل در از مدت استعمار) است، با پیدایش روند تغییر ساختاری ایران خصلت بندی میشود. شکست جنبش ملی کردن صنعت نفت، در آغاز این دوره، صف بورژوازی ملی را بر ملا ساخت. با میرا انقلاب ارضی، و از گونسی

که قدرت آن از میزان آن و جایگاه آن در جامعه فرا تر میرود. کارگران ایران از همان دوران مشروطه نشان دادند که بیشترترین گردان های مبارزه طبقاتی انقلابی اند. آنان همزمان با بورژوازی که در اجزای خود سازمان می یافت، در اتحادیه های کارگری سازمان می یافتند. ده ها هزار کارگر به مبارزین اتحادیه ای بدل شدند. در قفقاز، کارگران ایرانی در انقلاب ۷- ۱۹۰۵ روسستان خود کوبیدند و به صورت روزمندان پرولتاری روانه ایران شدند تا انقلابیون ایران را سازمان دهند و آرمان های سوسیال دموکراتیک را اثاعه دهند. سارده - اقتصاد و سیاسی کارگران همرا با -

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران است

رفسنجانی:

مهر جمهوری اسلامی در دل سرمایه‌داران نشسته است!

بقیه از صفحه ۱

ویک شروتمند بزرگی بوده... این یک نمونه است، اگر مثلاً یکی جودیا پنجاه سال بود، بنده اینجا نمی‌گفتم، عنوان یک نمونه که هزارها مورد دارم... (آن خانم) می‌نویسد: من یکماه پیش خواب دیدم که پولها بهم برده شده ام و رفتم نوب بانک بریزم به حسابم، آن منصدی که قبول نمی‌کرد در عالم خواب به من گفت که - پولهایت را که میریزی اینجا میدانی که ممکن است نتوانی پس بگیری، و وضع دولت را که میدانی، گفتم چرا؟ گفت خوب وضع دولت خرابست ممکن است پولها بت را بردارد، در همان خواب به فکرم رسد که من پول ذخیره می‌کنم، دولت وعش خوب نیست و گفتم نه اصلاً پولهای من را بریز حساب دولت، و من برای خودم کربدم بیدار شدم... گفتم هرچقدر که دانستم جمع کردم برای نما آوردم.

درحالی که هاشمی رفسنجانی - که تحت فشار بحران بین‌المللی مراحت لاجرم یافته است - و یکات بسیاری نهفته است که در این میان باید به بیان یک واقعیت و یک نصیحت توجه داشت، هاشمی رفسنجانی از سوئی به عمان، حمایت متقابل سرمایه‌داران ار رژیم جمهوری اسلامی را که در حقیقت یا سخی است به گوشه‌های بیدار رژیم جهت حفظ منافع سرمایه‌داران و تقدیس مالکیت خصوصی، طرح میکند رفسنجانی می‌گوید که حکومت در شرایطی که بر اثر سیاستهای ضد خلقی، سرکوب، کشتار و اعمال استعمار و غارت و جنایات سر زحمتکشان جامعه، روز بروز مستضعفین بیشتری در مقابل جمهوری اسلامی صف می‌آریند، سرمایه‌داران و حتی طاغوتی - های سرکوب در مقابل کشتار و غارت سرمایه‌داران رفسنجانی - و قضا به حمایت "دیگ" به پنجاه بلک که هزارها سرمایه‌دار و طاغوتی را از رژیم عنوان "فقدان اسلامی" و شکستن دل مخالفین طرح میکند. هرچند رفسنجانی می‌گوید "خداوند" محبت سرمایه‌داران در دل بسیاری از سرمایه‌داران افکنده است اما این سخنان که "خداوند" سلطان "بلک" است پس نباید عمل کرده‌ای دولت و سیاستهای سرمایه‌داران رفسنجانی در جهت تزقی برای تمام سرمایه‌داری و یکاراندازی جریهای و استیسی و سرکوب مبارزان بوده‌هاست. که این بهر آرزوی سرمایه‌داران - انداخته است. ارسوی دگر رفسنجانی با طرح این "هزارها مورد" و با شکستن سرور و تکسکی و وضع بد دولت بزرگان سی رسانی با سرمایه‌داران را بسز صحبت میکند که راه‌های سودا و آرزوهای محدودی از سیاستهای سرکوبانه رژیم با توجه به تلاشهای صادقانه و بی‌شائبه‌اش در جهت حفظ منافع سرمایه‌داران و بیدار کردن آنان نیز "هرچند دارند" به کار گیرند اما مگر عنوان "همه ما هم" تر افلاک مانع آمدن رفسنجانی در میان سخنان خود چیست

تصریح هر چه بیشتر حمایت رژیم از سرمایه‌داران می‌گوید "یکی از ویژگیهای اسلام این است که مفید نیست مثلاً طبقاتی برخوردار کند، مثل ما رگسبت ها بگوید نه اینجا سرمایه‌دارند و نشان کن، این غلط است، انسان می‌تواند سرمایه‌دار باشد و بعد تبدیل شود به یک فقیر، حال ممکن است سرمایه‌داران با سرمایه‌دار شدن ممکن است یک کسی هم پول مشروع داشته باشد... انسان به ما فقر خوب می‌شود یا بولداری انسان بد می‌شود... رفسنجانی می‌گوید ما ما رگسبت - سیستم، ما رگسبت ها دشمن طبقه سرمایه‌دارند، ما سرمایه‌داران دنیسمی طبقه‌ای نداریم، هرچند اختلافاتی بر سر تقسیم ارزش‌ها می‌بینیم و اینها را با سبق آمدن سرچراغ هست، اما این به معنی دشمنی طبقاتی نیست، ما ما رگسبت نیستیم، هرچند رفسنجانی جهت بدست آوردن دل سرمایه‌داران لازم می‌داند علاوه بر کشتار و غارت، ما رگسبت ها - با رها سب در سخنان دشمنی با انسان را ثابت کند ما برای توده‌های آگاه این مساله نیازی به تصریح ندارد، در هر عمل و در هر حرکت جمهوری اسلامی می‌توان دید که به نفع ما رگسبت نیست بلکه ما رگسبت و ما رگسبتها دشمنی طبقه‌ای ندارد. میان هر حرکت و هر عمل این رژیم با حرکات و اعمال ما رگسبتها در تمام ابعاد آن خط بریزی که "ملا" مشخص نیست. ساهی دیکتاتوری و کشتار رژیم جمهوری اسلامی و نه سرخی خون سما می شه‌های خلق برسی شده است، خطی به پررنگی تمام دگر و سرمایه.

جمهوری اسلامی حامی سرمایه‌داران است، مالکیت خصوصی را با تمام نیرویش با سر مدارد، در هر کجا سرمایه‌خطر می‌افتد "به خرج زحمتکشان منافع آنرا می‌بندد" سرمایه‌داران فراری رایه‌کار - فرامی‌جوید، اعاضا را رایه‌کاران - اختیاس می‌دهد، مالکیت و سرمایه‌سوا بی آنان را بر کارخانه‌ها و ابزار تولید تحکیم می‌بخشد، خانه‌ها و کارخانه‌ها را در مقابل بورت زحمتکشان می‌دست می‌کند، زمینها و اموالشان را با سر مدارد و تمام نیرویش را در خدمت آنان می‌بندد تا بهر وسیله سر استعمار و غارت کنند. اما ما رگسبت ها - کمونیت ها - حامی منافع کارگران و زحمتکشانند، کمونیتها می‌گویند مالکیت خصوصی سر ابزار تولید با بدنا بودتود، تمام ابزار تولید، کارخانه‌ها، زمینها، ماشین آلات صنعتی و کتاتوری، معادن و... باید به مالکیت تمام خلق درآید و اداره آن را ارگانهای کنترل شده‌ای و شوراهای کارگران و زحمتکشان بدست بگیرند، سرمایه‌های بزرگ و واسعه‌ها بد مصداق کرده و در جهت منافع زحمتکشان بکسار گرفته شود، خانه‌ها و کارخانه‌ها و ویلاهای سرمایه‌داران باید به معن توده‌های فقیر

و بی مسکن ضبط شود، زمینهای زراعی - بزرگ مالکین و فئودالها بدون برداشت غیر امت مصادره شود و در اختیار روستائیان زحمتکش قرار بگیرد. ما رگسبت ها در پی سرانداختن هرگونه غارت و استثمار فردی از فردی می‌باشند.

جمهوری اسلامی حامی سرمایه‌داران است و تمام سیاستها بر خدمت هر چه برتر کردن حیات آنهاست. از استروست که روز بروز گزافی افزون تر میشود، سکای افزایش می‌یابد، حقوق و دستمزد زحمتکشان کم میشود، توده‌ها فقیرتر و گرسنه‌تر و بی چیزتر میشوند و در عوض سرمایه‌داران - سوده‌های ۱۲۵ میلیاردی می‌برند. جمهوری اسلامی برای توده‌ها ارفمانی بحران‌آرگی، جنگ، فقر، بی مسکنی، گزافی و بی کاری ندارد.

اما کمونیتها حامی منافع کارگران و زحمتکشانند، کمونیتها در جهت نابودی فقر، نابودی گرسنگی و نابودی بی‌کاری مبارزه می‌کنند، کمونیتها با خلق از سرمایه‌داران و با برنامهریزی اقتصادی مبتنی بر منافع زحمتکشان برای توده‌ها کار، مسکن و آزادی به ارفمان می‌آورند.

جمهوری اسلامی حامی سرمایه‌داران است و از ابزار و منافع امپریالیسم را پاس میدارد، جمهوری اسلامی با ابقای قرارداد های اگرتار، با بستن قرار داد های ننگین چون تالیوت و کروب و استیسی، با خریدهای میلیار دلاری از دلال ها و امپریالیستها، با اختیاس بیشترین قسمت از دسترنج زحمتکشان به خرید تسلیحات امپریالیستی، به قیمت عرف جیب کارگران و دهقانان و توده‌های زحمتکش، امپریالیسم را تقویت میکند. اما کمونیتها حامی منافع کارگران و زحمتکشانند و از استروست سر بیست کمونیتها امپریالیسم به تمام میروند. کمونیتها با لغو تمام قرارداد های - اگرتار را اقتصاد با لغو و افتاء تمام قرارداد های تسلیحاتی و نظامی بسزا امپریالیسم و با حذف مخارج هنگفت تسلیحاتی با امپریالیستها در جهت نابودی و استیسی به امپریالیسم گام بر میدارند، کمونیتها منافع امپریالیسم را با خشک شدن ریشه‌های اقتصادی آن نابود می‌کنند.

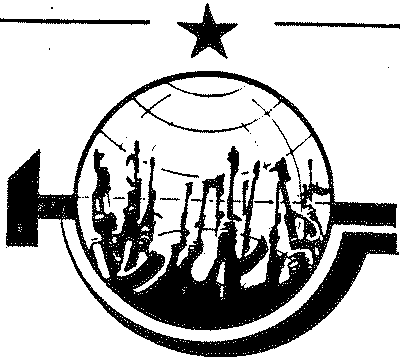
جمهوری اسلامی حامی سرمایه‌داران است و از استروست که کارگران رایه - گنوله می‌بندد، اجراج و با دستگیری کند دهقانان را بزرگترین می‌کند و در حمایت ارفنودالها و زمینداران آنان را کشتار می‌کند، خلفها را سرکوب میکند و با بستن و راکت و گنوله به فریاد حق طلبانه‌شان پاسخ میدهد، زحمتکشان شهری را سرکوب میکند، دهکده‌داران را خانه‌خواب میکند و اموالشان را به غارت میبرد، معاره - داران را تا زینت می‌برد، کارمندان را بقیه در صفحه ۱۴

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه‌ها خلیش



جنبش جهانی

کارگری - رهاپیش



★ زنده باد انقلاب پرو (۷) ★

تاکنون در سلسله مقالات "زنده باد انقلاب پرو"، سیر رخداد های سیاسی و روند مبارزه طبقاتی را در پرو، تا سقوط دولت بنایارنست ولسکو، سال ۱۹۷۵، دنبال کردیم. همانگونه که پیشتر نیز گفته شد، تا ملی که در دوره هفت ساله حوستانی نظامی برهبری "ولسکو"، بکار رفت، سیاسی از ماهیت استثنائی این رژیم بوده، نوع آموختنی های سیاسی بود که از مطالعه چنین رژیم های نصیب جنبش کارگری و کمونیستی میهن مان میگردد.

بخش هفتم از این بررسی را با شناخت نتایج بحران اقتصادی و سیاسی ای که متحر به سقوط دولت ولسکو گشت، آغاز می کنیم.

با آغاز سال ۱۹۷۷، پرو آنچنان در بحران مردم فزاینده اقتصادی و سیاسی غرق شده بود که نمی شد چیزی همسنگ با آن را در تمام طول تاریخ پرو، نشان گرفت. نسبت به سال ۱۹۷۰، ۵۷ درصد کاهش یافته بود. نزدیک به یک سوم از کارگران پرو، به گونه های متفاوت در یکی از ۷۷۹ اعتصابی که در طول این سه سال، سراسر واحدهای تولیدی را در بر گرفت، شرکت داشتند. زبانی که از قبیل این اعتصابات متوجه روند تولید شد، ۲۰/۳ میلیون ساعت اوقات کار بود. اما هنوز جنبش خود انگیخته کارگری و نه بخش های آگاه آنان که رهبری نیروهای کمونیست را با خود به همراه داشتند، نمی دانستند که با آنچه چگونه این حرکات اعتراضی توده ای را جهت داده، به راستی مشخص در تقابل با سیاست های بنیاد ارتجاعی رژیم حاکم بکنانند.

حزب کمونیست پرو (P.C.P)، یعنی حزب ستا "مورا لیزرمودا" فرمیسیم، هر چند که چون گذشته همچون خاکی را در اختلاف حوستانی حاکم داشت و از این هم فراتر نرخیاطر حاشیاری بی چون و چواریش از دولت بنایارنست ولسکو، از قبیل و انفعالات سیاسی به کل بیرون افتاده بود، اما به سبب سیاست های پیشین اش، همچنان قدرت گرایانی مانده بود و این بار از سیاست های حوستانی نظامی جدید به رهبری "مورا لیزرمودا" خانداری - میگرد. در پی وکرتا می دید که برکناری "ژنرال ولسکو" یعنی همان شخصی که فرمیسیم ها، زمانی او را بر جمدار استین راه رشد غیر سرما به داری میخواندند (و بعد در رسیدن ژنرال های دیگر، از جمله ژنرال "رودریگز فگوروا"، نمایانگر بیروزی دیگری برای "هوادران راه رشد" میباشد. اما سیر رخداد های سیاسی به فرمیسیم ها این اجازه را نداد تا در حال و هوای افسانه ای خویش برای مدتی طولانی جولان دهند. چرا که رهبران حوستانی نخست ژنرال "رودریگز" را از مقام فرماندهی واحد ارتشی منطقه لیما، و سپس بطور کلی از حکومت کناره کشیدند. تحلیل های گویا گویی که از سوی بخش های متفاوت جنبش کارگری پرو،

در روستا با ماهیت عملگردهای رژیم "مورا لیزرمودا"، انجام میدهد، نتایج تا به سازمان سیاسی گروه های کارگری در شکل های صنعتی گوناگون منجر میشود. این شکل های صنعتی کارگری به ترتیب اهمیت عبارت بودند از:

۱- "کنفدراسیون عمومی کارگران پرو" (C.G.T.P) متشکل از ۱۷۰ اتحادیه کارگری و با تعداد اعضای نزدیک به ۴۰۰/۰۰۰ تن، بزرگترین این شکل ها را مساخت. هر چند که این کنفدراسیون تقریباً "تمامی بخش های اقتصادی پرو را در بر میگرفت، اما کمکه نفوذی که "حزب کمونیست پرو" (P.C.P) سر بر خیز از رهبران این کنفدراسیون داشت، منجر به این میشد تا اتحادیه هایی که بنوعی از سیاست های جانبدارانه فرمیسیم در روستا به حکومت، پشتیبانی نمی کردند، با دوزوکلک های گوناگون، عملاً از کنفدراسیون کناره کشیده شوند. از جمله این اتحادیه ها، می توان از اتحادیه های ما هیگیران و معدنیان نام برد. اما مساخت بودند اتحادیه هایی که آگاه به اعمال چنین سیاست های از سوی فرمیسیم ها، بیشترین تلاش را در راستای تضعیف این جریان خیانت کار در کنفدراسیون، بکار می بردند.

دومین شکل صنعتی کارگران - کنفدراسیون کارگران پرو (C.T.P) بود که سال ۱۹۴۴ برپا شده و در سیاست های بنیاد "حزب آبریا" (A.P.R.A) - "حزب های یاد لاتوره" - را داشت. در این کنفدراسیون، حضور اتحادیه کارگران صنایع شکر پرو، که عمدتاً از مناطق شمالی کشور می آمدند، چشمگیر بود. در کنار این گروه از کارگران میشدند از کارگران صنایع نساجی، برخی از اتحادیه های معدنیان، رانندگان و نیز کارکنان به سفید هم سراج گرفت. اما هم با رشد و عربانی مبارزه طبقاتی، همانگونه که پشتیبانی کارگران صنایع نساجی و معدنیان از "حزب آبریا" (A.P.R.A) بود، به نقطه ای میگرداشت (که این خود به دلیل اتحادیه های خائسانه از سوی این حزب در روستا جنبش کارگری بود) یا بگاه نسبتاً گسترده "کنفدراسیون کارگران پرو" (C.T.P) نیز محدودتر و محدودتر میشد.

سومین سازمان صنعتی کارگران، "کنفدراسیون ملی کارگران پرو" (C.M.T) هوادار "حزب دمکرات سوسیالیست پرو" بود. با کاهش نقش این حزب در حیات سیاسی پرو که از زمان حکومت "ولسکو" آغاز شده بود، این کنفدراسیون هم بیشتر و بیشتر در پی جنبش کارگری پرو، رنگ می باخت و به حیات سلولی خویش می رسید. چهارمین کنفدراسیون کارگری "کنفدراسیون کارگران انقلاب پرو" (C.T.R.P) بود که سال ۱۹۷۲ و بدست عمال حوستانی ولسکو برپا شده بود. هدف این کنفدراسیون و تلاش آن نیز که در راستای دستیابی به آن بکار میبرد، دور کردن هر چه بیشتر کارگران از رادیکالیسم ذاتی

جنبش کارگری بود و این وجه ناموفق در آغاز عمده ترین نیرو را در "کنفدراسیون کارگران انقلاب پرو" (C.T.R.P) تشکیل میداد. اما در جریان رخداد های سیاسی با عربیان شدن ماهیت سیاسی سیاست های غالب بر رهبری و سیرکردگی مردم فزاینده خود آگاهی بر مجموعه جنبش کارگری، بخشی عظیم از کارگران متشکل در این کنفدراسیون، از آن روی بر تافتند. بهر رو این کنفدراسیون - هیچگاه در طول لحيات خود نتوانست به پایگاهی گسترده در میان کارگران - بخش های صنعتی جامعه پرو دست یابد.

همینا با گسستن هر چه بیشتر کارگران از اتحادیه های زرد و سازمان سیاسی در شکل های با لایحه رادیکال، بهر آن اقتصادی حاکم نیز هر روز بیشتر در مسکن میکشاند. حتی پیش از برکناری "ولسکو" از سیاست جمهوری، بهای بسیاری از اقلام کالاهای مورد نیاز روزمره مردم سیزدان ۲۰ تا ۳۰ درصد افزایش یافته بود. این افزایش در آن زمان به تشنج ناگزیر تلاشی بود که از سوی حوستانی برای برقراری موازنه در بودجه کشور صورت میگرفت. افزایش چشمگیر تعداد اعتصابات کارگری، خود نمایی کارگران بود که اتحادیه های سیاست ها در روستا با کاهش عرضه خدمات عمومی از یک سو و از سوی دیگر افزایش بودجه حمل از قبیل تولید، نمی توانستند به همزیستی با یکدیگر برسند.

اعتصابات کارگری تنها واکنش بحق کارگران در برابر بحران اقتصادی - سیاسی حاکم نبود، برای نخستین بار در منطقه صنعتی "ویتا ریته" که تنها صنعت کپلومتری با "لیما" یا تخت بره نام له دارد و در کنار اصلی ترین بزرگ راه کشور قرار گرفته است، اعتصابات کارگری با مبارزات نه بدستان منطقه گره خورد. با زتاب این همبستگی کارگران و زحمتکشان، سنگربندی در این بزرگراه وانسداد آن بود.

در اواخر ماه مه ۱۹۷۶، همزمان با اعتصاب سراسری کارگران برای بازگرداندن کارگران اخراجی، وزارت کار پرو با ردیگر با اخراج ۲۵۰ کارگر دیگر، این بار از مجموعه کارخانه های با بلون

نقد در صفحه ۱۶

مستحکم باد پیوند جنبش طبقه کارگر و جنبشهای رهاپیش سراسر جهان



پیام

شرکت کنندگان در اولین کنگره سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

به رفقای رزمنده و قهرمان السالوادور

هم اکنون اکثریت عظیم توده های مردم به ما هیت ارتجاعی و سیاستهای فربکارانه رژیم بی برده اندو ما ایمان داریم که توده های زحمتکش مین ما همانگونه که رژیم سلطنتی شاه را به گورستان تاریخ سپردند، رژیم جمهوری اسلامی را نیز فکنا ر آن بگورستان تاریخ خواهند سپرد.

رفقای رزمنده و انقلابی السالوادور! ما از همدردی و پشتیبانی شما از مبارزات عادلانه خلقهای ایران طسی ما های اخیر قدر دانی می کنیم و توده های ندا ریم که سرانجام خلقهای آمریکای لاتین همانگونه که انقلابی کمپرونیست چه گوارا رهبری بسین نمود، در مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و همه مرتجعین پیرو زخواست هاندند، ما به این بی پیروزی می اندیشیم و تمام دشواریها و سختی ها شیکه اکنون با آن روبرو هستیم با تصمیم یک لحظه از آن پیروزی از یاد می بریم.

شرکت کنندگان در اولین کنگره سازمان چریکهای فدائی خلق ایران یکبار دیگر نقش زاکه ارتش آزاد بیخشن فا را بوند و ما رتی در جنبش انقلابی خلق السالوادور ایفا نموده است می ستایند و از مبارزه قهرمانانه آن علیه امپریالیسم آمریکا و مرتجعین السالوادوری حمایت و پشتیبانی کامل می نمایند.

زنده باد همبستگی انترناسیونالیستی خلقهای السالوادور و ایران - سران مرکز رژیمهای ارتجاعی السالوادور و ایران مستحکم باد پیوند ارتش آزاد بیخشن خلق فا را بوند و ما رتی با سازمان چریکهای فدائی خلق ایران تا بود و ما امپریالیسم جهانی بسه سرکردگی امپریالیسم آمریکا و بیایگهای آد اخلیست شرکت کنندگان در اولین کنگره سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

رفقای انقلابی السالوادور!

همانطور که اکنون شما در شرایط سختی به بیگنا را انقلابی خود ادامه میدید و رژیم ارتجاعی حاکم بر السالوادور - ددمنشانه به سرکوب توده های زحمتکش السالوادور می پردازد، در ایران نیز جنبش انقلابی لحظات دشواری را از سر میگذارد. رژیم ضد انقلابی و ارتجاعی جمهوری اسلامی دیوانه وار به سرکوب توده های مردم دست زده است، مبارزات انقلابی کارگران و دیگر اقشار خلق را سرکوب میکند، و سازمانهای انقلابی در معرض فاشیستی ترین شیوه های سرکوب قرار دارند.

ظی چند ما گذشته نزدیک به ۳ هزار تن از انقلابیون ایران به جوخه های اعدام سپرده شده اند، دهها هزار تن از کارگران و زحمتکشان و روشنفکران انقلابی ایران در زندانهای رژیم زبردیدترین شکنجه ها بسر می برند، رژیم حتی ابتدائی ترین حقوق انسانی را نیز از کمال کرده است، در بسیاری موارد انقلابیون را بدون - محاکمه و دست جمعی به جوخه اعدام میبارد حتی خانواده های آنان از محل دفن آنها با خبر نمی شوند. این رژیم ضد انقلابی و ارتجاعی با این همه جنایات علیه توده های مردم، عوام فریبانه میگوید خود را ضد امپریالیست معرفی کند، اما

رفقای انقلابی!

گرمترین دروده های انقلابی ما را بپذیرید. شرکت کنندگان در اولین کنگره سازمان چریکهای فدائی خلق ایران یکبار دیگر حمایت و پشتیبانی کامل خود را از مبارزات قهرمانانه خلق السالوادور به رهبری ارتش آزاد بیخشن فا را بوند و ما رتی علیه امپریالیسم آمریکا و مرتجعین داخلی السالوادور - اعلام میدارند.

خلقهای ایران و السالوادور در یک مبارزه مشترک علیه امپریالیسم جهانی سرکردگی امپریالیسم آمریکا و همه مرتجعین بین المللی بیگنا ر می کنند. مبارزه قهرمانانه خلق السالوادور - با داور حمله آفرینی و بیگنا رهای قهرمانانه خلق وینتام علیه امپریالیسم آمریکا می باشد و تردیدی نیست که در این مبارزه انقلابی سرانجام خلق السالوادور بر خصم ارتجاعی پیروز خواهند شد.

خلقهای ایران و السالوادور روز به روز به آرمایه های مشترک که اکنون بشریت در مقابل خود دارد بیشتر و قوی تر می آیند و کارگران و زحمتکشان ایران و السالوادور به اتحاد دیردرا نه کارگران و زحمتکشان سراسر جهان و وظایف انترناسیونالیستی خود بیشتر می بینند و این راه مشترک را با مبارزه مشترک پیش می برند.

پیام نخستین کنگره

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

به هواداران سازمان

بیشتر درام انقلاب، با الهام از خمینی - پایان توده های کارگر و محرومان جامعه همچون مشعلی فروزان، در پیشانی آنان با شیم و مبارزه توده ها را علیه نظام - خفقان و ترور هدایت و سازماندهی کنیم. کنگره در بررسی خود ارتجاعی به ساله اخیر یکبار دیگر بر اهمیت درسهای گرانبهای که همه انقلابات پیروز منسند و با شکست خورده با رها و با رها (پیرامون نقش اساسی طبقه کارگر و تئوری انقلابی در تضمین پیروزی جنبش به کمونیستها آموخته است تاکید میکند و از شما میخواهد که با مطالعه دقیق مومبات کنگره و مباحث مطرح در کنگره و پیشبرد خط و منی - پرولتاریا در انقلاب حاضر و وظایف کمونیستها، انرژی خود را در راه انجام وظایف انقلابی خلافا نه بکار گیرید.

رفقا، اگر نمی خواهید که اهداف و وظایف ما تنها بصورت قطعه نامه های زیبا و جملاتی کلی و... باقی بمانند، اگر میخواهید حریفهای در ستان بعمل در آیند و اشکالشان تصحیح شود، اگر میخواهید که گامهای مؤثری را در راستای وحدت اصولی جنبش و ایجاد دستا درزنده پرولتاریا به پیش برداریم، همه، منزها و دستهایمان و همه قلبها و وجودتان را با فعالیت و کار وادارید، اگر ما در کردار ارا ده و خواست انقلابی پرولتاریا را متکس کنیم، آنگاه جنبش را از بی اعتمادی به رهبران و

به سنتهای انقلابی و ایمان شما به آرمان کارگران، بویزه در شرایطی که توده های ستمکشیده، میهنمان زیر شدیدترین فشارهای فاشیستی حکومت خفقان و ترور قرار دارند، و نتیجه ایست برای جلوگیری از تسلیم عمده توده ها به انقلاب و فاشیستی است برای تداوم و تحکیم روحیه انقلابی در کارگران و زحمتکشان.

رفقا! در شرایطی که رژیم حنا بتکار خمینی از انجام هر جنبه ای رویگردان نیست و تلاش همه جا سبای را برای شکست قطعی انقلاب بکار گرفته است، در شرایطی که روزانه گاه دهها انقلابی به جوخه های اعدام سپرده میشوند، در شرایطی که بی شما نه ترین شیوه ها، هرگونه اعتراض حق طلبانه ای را سرکوب می کنند، با آنگاه از اوضاع خودویژه ای که در آن قرار داریم بیش از پیش وظیفه داریم که به منظور

رفقا! شرکت کنندگان در اولین کنگره با آگاهی به نقش و وظیفه ای که شما هواداران انقلابی و بیگنا ر، در راه - تبلیغ و ترویج اهداف و نقطه نظرات اصولی سازمان بعهده داشته اید و مصمم و بی شورش، پرچم رهای کارگران و زحمتکشان را در راه پیروغ سوسیالیسم بدون گرفته اید و از هیچ کوشی دریغ ندارید، برایتان درود مسرتند.

رفقا! ما خوبی مطلعیم که هزاران هزار فدائی در سراسر ایران (در کارخانه و سررعه، در مدرسه و سربا رخانه و در ریسر شکمهای قرون وسطی و در زندانها) سرسخت و استوار، با ایما سی خلل ناپذیر و راسخ مبارزه میکنند و اوراق زرینی را با حما سه های از مقاومت و ایثار، سر - تا ریخته خونین و سراسر حمله، فدائیان خلق می افزایند، بی تردید این وفاداری



ضرورت جدائی دین از سیاست (۳)

پس از برآمدن زمینه های کلی احترام رنسانس دینی و ظهور دولت مذهبی و توضیح این نکته که روه مغرب چومی نهد - خورشید سایه ها را در آرزو برسی - و بیان عواقب و اثرات حکومت دینی کنونی با دیده تبیین موضع گیری طبقات و نیروهای اجتماعی نسبت به دین و حکومت دینی برداخت. لیکن پیش از ورود به مطلب چند نکته را که موجب بحث و وسوسه نفا هم میشود، روشن کنیم.

نخست اینکه در برابر استدلالهای مربوط به زمینه های سخت جانی اعتقادات مذهبی، این استدلال مخالف عنوان - میشود که ظهور دوباره دین و حتی برقراری حکومت سرما به دلخواه دین، امری ناگزیر و قطعی بوده و یک سیر مقدر است. توده های مردم به سبب نفوذ ریشه ای اعتقادات - دینی ابتدا به خمینی رو آوردند و سپس به نیروی دیگری اقبال و وسیع نشان - می دهند که از "اسلام آستین"، "اسلام انقلابی" و... دفاع میکنند، او گرد فاع ز معتقدات دینی نبود، نمی توانستند از چنین نفوذی برخوردار شوند و سبب قلت نفوذ سایر نیروها عدم تمسک بر دین است.

این استدلال که غالباً "در خدمت توجیه واقع موجود و علت تراشی برای انفعال و کنش پذیری نیروی بیان کننده آن قرار میگیرد، صرف نظراً ز برخی اشکال - های اساسی خود (فی المثل این که برای آید ثولوزی، استقلال مطلق و حتی تقدم قائل است) دارای این اشکال نیز هست که نمی تواند توضیح دهد چرا در دوره های تاریخی بیشتر، مثلاً در دوره ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ جبهه ملی و حزب توده - به درجات متفاوت توانستند بدون تمسک به اعتقادات دینی از چنان اقبال وسیع توده ای برخوردار شوند؟

تردید نیست که جریان رنسانس - احترام دینی موجب ظهور مجدد تقویت گرایین های دینی، بویژه در آستانه قیام در میان مردم شد، لیکن انتساب نفوذ خمینی به این عامل و حتی تنها همی - سن عامل، چشم پوشیدن بر تناسب نیروهای سیاسی (و ضمناً "ایدئولوژیک) موجود در شرایط خاص قیام به هم است، اکنون نیز نیروئی که به معتقدات سنتی مردم توس میشود، از احتمال نفوذ بیشتری بر -

خوردا میشود، لیکن توجیه این جنبه از کارسیای مخالف دینجستار و مطلق کردن آن، در حکم غفلت از سایر ظرافت های کارسیای آنان و همچنین برده پوشیدن بر توانائی نسبی نیروهای سیاسی دیگر است. نیروهای که یاد - کارگزار تاریخ برایشان وظیفه ای باقی نمانده و یا برعکس به وظایف خویش در این کارگاره ای اعتنا هستند.

احتیاج دیگری که به استدلال قبلی مربوط میشود بر مقدر بودن نقش دین - انشاره دار را نیست که شرق - سرشت و بزه ای دارد و ایران و اسلام نیز در این سرشت ویژه و متمایز، و "عجا ز آفرین" سهمی است. و این چیزی است که در سایر جریاها و دیگر جنبش ها دیده نمی شود، شدت اعتقادات دینی مردم شرق و منجمله مردم ایران، چیزی است که تاریخ در سیر تحول و بزه ای با قوا این عام متمایز دیده می آورد. این استدلال که برآ حتی می توان بر آن استک فرصت طلبی زد، ویزگیها را نسبت به عمومیت های مطلق میکند از دیدم دکاه در

تاریخ مسیحیت و همچنین ما برادریان جهان مواردی را می توان یافت که اعتقاد دینی و یا تظا هر به مالیت دینی دستمایه جنبش توده ها شده و از این رهگذریک جنبش انقلابی، هر چند باریک و روی دینی در برابریک جریان ضد انقلابی - از هم با رنگ و روی دینی قرار گرفته. به عنوان مثال میتوان به رویا روسی دین مونتسر و دین لوتر مطرح شده در جنگ دهقانی در آلمان "اثر انگلس اشاره کرد.

ویزگیهای سیاسی - ایدئولوژیک تحولات تاریخی را نمیتوان انکار کرد. سربکی از این ویزگیها که از حیث مطلبها غالب توجه است، توسط انگلس اشاره ای گذرا شده، انگلس در مقاله ای تحت عنوان "در باره تاریخ صدر مسیحیت به بیسان این نکته عام و اساسی می بردا ز که "این جنبش ها (جنبش های توده ای قرون وسطای) نظیر تمام جنبش های توده ای - می بایست نقاب دین بر رخ کشد و به مثابه احیای مسیحیت اولیه از جنگ خطاط گسترده به نظر آیند، اما در پس تمام ستایش - های دینی، همواره منافع مادی وجود داشته. "انگلس در ادامه این سخن به -

تفاوت جنبش های دینی توده ای مسیحی و اسلامی اشاره میکند و می گوید ".... اسلام دینی است که با شرقیان و بویژه با اعراب همخوانی دارد، یعنی از یک سو با شهر نشینانی که در کار تجارت و صنعت هستند و از دیگر سو با "بدو" های بیابانگرد. لیکن در همین جا نطفه، یک درگیری کسه - متناوب و "تکرار میشود، وجود دارد. - شهر نشینان ثروتمند تجمل پرست میشوند و از رعایت "قانون" (شرع) سر می پیچند. بدو ها که فقیرند و در نتیجه اخلاقیات سخت گیرانه ندارند، با جدو آزدندی بر این تنعم و ثروت می گردند. آنگاه زبیر رهبری یک بیامیر، یک مهدی منحسد میشوند تا مرتدین را گوشمالی دهند و رعایت مناسک دینی و ایمان واقعی را تا مین کنند و در عوض ثروت های کفار را مصادره می کنند.

"اینان طی یک صدسال به طور طبیعی در همان وضعی قرار می گیرند که کفشار پیشین در آن قرار داشتند. تزکیه، مجدد ایمان ضرور میشود، مهدی دیگری قیام میکند و بازی از سر آغاز میشود. همین امر به همین شیوه با نظیر آن در مورد قیام های مردم ایران و سایر ممالک مسلمان رخ داد، همه، این نهضت ها در لایه های دین می آیند، اما منشاء شان علل اقتصادی است. لیکن، حتی وقتی پیروز میشوند به شرایط اقتصادی سابق اجازه میدهند که دست نخورده به حیات خود ادامه دهد، از اینرو وضع سابق بلا تغییر می ماند و درگیری تناب و بی تکرار میشود (در حالی که برعکس در قیام های توده ای غرب مسیحی، نقاب دینی فقط یک بی کهنه و نقاب برای حمله به نظام اقتصادی کهنه است. این نظام بلاخره سرنگون میشود و نظام نوینی بر مبادی و جویان ترقی می کند،"

می بینیم که اگر بخواهیم بر این نقول انگلس یا پیشا ریم، با دیده ای نتیجه برسی که جنبشهای "اسلامی" شرق در مقایسه با جنبشهای مسیحی غرب، نقش بیشسرو ندارند، هر چند که این قول در مورد تاریخ شناخته شده و حتی تحولات "اسلامی" معاصر جامعه ما صدق شکفت آوری دارد.

لیکن سخن در این است که تکیه بر این

ویزگیها و تن سپردن به گردش خود بخودی و کورانها، عواملی از این دست، در خدمت نیروهای است که آگاه و نا آگاه بر تداوم نقش این ویزگی "مدمی" ساند و در عین حال به ضعف خود در شرفا بددینی و مقابله با آن "ویزگیهای اعجاز آفرین" اذعان می کنند، وضعی که فقط با راهی از آن ناشی از اجتماع شرایط نامساعد است و اساس آن در واقع احوال کنونی، در انفعال و گریز از پذیرش مسئولیت تاریخی است. نکته، دیگری که جامعه ما در ارتباط با

دین با دو مسئله با لنسبه متمایز مواجسه است، یکی نقش سیاسی دین که در حکومت دیندارا ضرورتی میشود و دیگری رواج دین، چه پیش از "نقلاب اسلامی" و چه پس از آن - که تا حدودی در اثر مستقیم و غیر مستقیم وجود همین حکومت، تقویت شده - (بدون آن که ضرورتاً "به تقویت نقش سیاسی دین مدد رساند). در مسئله اول، حکومتی مطرح است که در ردای دینداری، میخواهد بر تداوم و بویژه از این سرما به داری رنگ مشروعیت بزند. این مساله ای است - اساساً سیاسی و فوری و درگیری مساله ایدئولوژی مطرح است. البته مابا زه بیسا حکومت حاضر موجب خواهد شد که بطور ضمنی تکیه گامی مادی و مضموی پشتیبان - تداوم و تحکیم اعتقادات منسوخ، متزلزل و تا حدی منهدم شود. لیکن این نیز روشن است که مابا زه سیاسی با حکومت دینی - هرگز نمی تواند چنان نشین مابا زه یا ایدئولوژی دینی شود. مابا زه یا خیر، اساساً مستلزم نهاد مابا زه های مادی تولید و یا ز تولید کننده دین است. بسکه گفته، مارکس "مابا زه علیه دین، من غیر مستقیم، مابا زه علیه حیات است که دین عطر روحانی آن است (تقدیر فلسفه) هگلسی (حق) ولی "احقانه است که اگر فکر کنیم در جامعه مبتنی برستم و دشواری بی پایان زندگی توده های زحمتکش، با روشهای تسلیفی میتوان تعصبات دینی را از میان برداشت. " (لنین - مقاله، سوسیالیسم و دین)

در حالی که بصراحت میتوان در مقاله سل این حکومت قرار گرفت و آن را از روه های دینی خودخدا و محروم کرد. البته به شیه، بورژوازی بزرگ که میکوشد تا است کنند دین این حکومتگران دین واقعی نیست - مابا زه ایدئولوژیک با ایدئولوژی دینی طرفت های ویژه ای می طلبد. زیرا دست کم اینست که "لازم است ... از جریحه دار کردن عواطف دینی معتقدان بهره یز کرد، زیرا این کار تنها به سود افزایش تمصب دینی است. " (لنین - پیش نویس برنامه حزب بلشویک، جلد ۲۹ کلیات، ص ۱۲۴) و یا به گفته انگلس خطاب به آنا ریشیتسا "تنها خدمتی کسه امروزه می توان در حق خدا روا داشت، اینست که لادینی را به صورت جزم جباری در آوریم و ... دین را به طور کلی ممنوع کنیم. " (انگلس، "شوشه های مهاجرین") نکته، دیگری این است که مقصود از ضرورت جدائی دین و دولت هرگز این نیست که دین پیشگان نمی توانستند و ساید در سیاست و دولت مداخله کنند، بلکه چنان که پیش از این به تفصیل خواهیم گفت - مقصود این است که دستگیر دین پیشگان و دستگاه دولت از هم متمایز گردند و دین نتواند بر دستگاه دولت، دستگاه اعمال

ضرورت جدائی ...

بقیه از صفحه ۱۱

سلطه طبقه ای بر طبقه دیگر، رنگ مشروعت بزند. دیدگاهی که نه تنها دستگا هدین، بلکه فرد فرد دین پیشگان را از دخالت در سیاست و قدرت دولت منع می کند، عملاً در خدمت دستگا ه روحانیت و در خدمت طبقاتی است که می خواهند از دین عنوان عنوانی از ذخیره و وسیله، مضافاً روز - میا داد استقا ده کنند. زیرا نظیراً کتیا نیست - های روسیه معتقدند که کلیسا برتر از دولت است، همچنان که امورا زلی والهی برتر از امور مانی و زمینی هستند کلیما خوا ستا ر موضع رهبری و نقش مسلط است (لنین، جلد ۱۵ کلیات آثار صفحات ۱۲-۱۱۹).

درواقع امرچنان که اکنون مریحتر از دوره های تاریخی پیشین میتوان دید دخالت مزیح و علنی و بیواسطه دستگا ه دین پیشگان در امور دولتی، موقعیتی برای توده ها پدید آورده که از آن طریق بتوانند تحقق واژگوبه، ولی جقیقی اعلام عدالت خواها نه دینی خود را به عیان بیابند. تجربه حکومت دینی خا خرگاسی بر عکس نشان میدهد که اگر دین پیشگان از هر دو دسته چه دین پیشگان خا خرگاسه دین پیشگان مخالف اگردر گذشته فرصت می یافتند، بصراحت عقاید و آرمانهای باطنی خویش را بیان کنند، بسی سریعتر از اکنون منزوی می شدند و تا به حتی تجربه حکومت دینی خا خرگاسه قیمت نمی یافت. آری در دوره دموکراتیک انقلاب، دین پیشگان سز می توانستند و یا بیدر سیاست و دولت دخالت کنند تا از اوج آسمانی نه زیر آفتاب و چهره خویش را بیش از پیش برای توده ها عریان کنند و توده ها بهتر از پیش درک کنند که "حکومت دینی چیزی نیست جز این حکومت، آئین پرستش اراده حکومت (سرما به)" (انگلس) سخن اینهاست که دستگا ه روحانیت نسا یده عنوان دستگا ه و حزب سیاسی دولت را در اختیار خویش داشته باشد و از اسیرا بگردد سلطه سرما به را از نو برقرار کند یا مستحکم سازد. جدائی کامل کلیما و دولت چیزی است که پرولتا ریستای سوسیالیست از دولت امروزی و کلیسای امروزی مطالبه میکند. (لنین، سوسیالیسم و دین).

در ارتباط با بحث اصلی این گفتار یعنی بحث موضع طبقات و نیروها نیست به ما که جدائی دین و دولت، با یه به توضیح موضع بورژوازی برداخت. غالباً ادعا میشود که بورژوازی، بویژه بورژوازی کلاسیک نسبت به دین و دستگا ه روحانیت موضعی آشتی ناپذیر، بنیان افکن و رادیکال دارد. این نظرا ز چند جهت، محتاج بر خورد انتقادی است، یکی در - بررسی تاریخ انقلابات بورژوازی و دیگری از حیث موضع و موقعیت بورژوازی در عصر امپریالیسم و تالفا در متن تاریخ ملی ایران و بخصوص وقایع جاری. ظاهراً آنچه اعتقاد به را دیگالیسم بورژوازی نسبت به دین را دامن میزند، تعمیم تجربه تاریخی انقلاب کمپروبرژوازی فرانسه است. در واقع امپریالیسم

رهبری روحانیت سوسیالیسم با رژیم دستگا ه و پیوند عمیق و نزدیک آن با فتوای لیسیم برای بورژوازی نوخاسته چاره ای جز مبارزه همه جانبه با کلیسا باقی نگذاشت. ما شریالیسم فرانسیسی که پیوند دهنده انواع عناصر ما شریالیستی رایج زمانه بود، خود تجلی ضرورت این مبارزه، در عرصه ایدئولوژی بود. در انقلاب کمپروفرانسسه اموال کلیسا مصادره شد، کلیسا ثلثان همراه با نجبا و زمینداران و ... از قدرت برکنار شدند. تعلیمات ازدست کلیسا خارج شدند و در مجموع نقشهای ازنساکون دستگا ه روحانیت شدیداً ضربه خورد. اما در همان دوره انقلابهای بورژوازی، از آنجا که طبقه های پرولتری در چشمش بود. بورژوازی بویژه در انگلستان و پس در آلمان به رهبری بیمارگ به این نتیجه رسید که "دین را باید برای توده ها گداشته این تنها و آخرین وسیله نجات جامعه از جنگ ویرانی است. و این نتیجه هنگامی به دست آمد که برای بورژوازی فرانسه و آلمان چاره ای نماند جز آنکه برحرکات و سکنات خورنگ تقوا پیشگی بزند. از کلیسا و حرمها و مناسک آن با احتیاط با فکند و حتی تا آنجا که میتوانند با کلیسا کنار آید. ... اکنون نوبت بورژوازی انگلیسی بود که از خشم ببرد و بگوید "ای - ابلهان، من که این نکته را دویت سال پیش به شما آموخته بودم." (انگلس، مقدمه بر سوسیالیسم تغیلی و سوسیالیسم علمی) باری آنچه بعنوان امری کلی میتوان گفت اینست که بورژوازی با دین تا آنجا که با اصل حیاتی آن، یعنی تولید و باز تولید گسسته و وابسته است دم افزون سرما یسه مربوط میشود، نمی تواند راه آشتی درییش گیرد. دین فتوای دین و وابسته درییش فتوای لیسیم و نیروهای قرون وسطایی، دینی است که راه تکامل سرما به داری را سد میکند، با بدیانتیزگر و آن رژیم را در هم شکست. اما بپیمودن این راه برای بورژوازی در مراحل متفاوت و به شکل و شیوه های گوناگون صورت میگیرد. بورژوازی به طور کلی با دین فتوای لسی سازش نمی کند، اما اگر دستگا ه دینی از اقتدار اقتصادی - سیاسی مطلقه خویش محروم گردد، برپایه ای از دستگا ه های قرون وسطایی در خدمت بورژوازی درآید و به صورت دین بورژوازی، هر چند که در صورت ظاهر همان دین کهن باقی بماند، بهتر، ظرفیت و با فرهنگ تر از دین زحمت قرون وسطایی میتواند با توده های عامی از مظلالم سرما به داری به مبارزه برخیزد. بر آنچه گفتیم با دین رانیز به فرا شیم که بورژوازی گرچه به طور کلی در معامله ای از توازن نیروها با نیروهای دینی مبارزه و اتحاد میکند، لیکن در عصر امپریالیسم، عصر انقلابهای سوسیالیستی عصر بیداری توده ها، عصر انقلاب های رها شیبش، بورژوازی دیگر بسیاری از نقشهای انقلابی خویش را از دست میدهد و به ارتجاع و اومی شهت بورژوازی کلاسیک که زمانی برچمدار آزادی و ترقیخواهی بود، پس از استقرار بر زمین قدرت، همچنان که از میدان مبارزه، رقابتی به سوی - انحصار میروود، خود را از قید "حمیل" دموکراسی بورژوازی نیز خلاص می کند و هوادار انواع ایدئولوژیهای ترقی شیبز میشود. و در ارتباط با دستگا ه دین پیشگان

و خودین، این سخن لنین همچنان به قوت خود باقی است که: "وظیفه مبارزه با دین از حیث تاریخی، وظیفه بورژوازی انقلابی است و در غرب این وظیفه را تا حد زیادی دموکراسی بورژوازی، در عصر انقلابات خود با هجوم به فتوای لیسیم و قرون وسطا - گراشی، اجرا کرد یا به عهده گرفت" (موضع حزب کارگران نسبت به دین) لیکن در عصری که بورژوازی به نتیجه منطقی انقلابهای خود رسیده، و با خطر بالقوه و بالفعل انقلابهای پرولتا ریست و متحدان آن مواجه است و رویا روی جنبش های پیروز شده، سوسیالیستی قرار دارد، این وظیفه، بورژوازی، همچنان - بسیاری از وظایف اساساً بورژوازی دیگر - ناچار بر عهده نیروهای پرولتری می افتد. بورژوازی عصر امپریالیسم با وظیفه و مبارزه دوگانه ای مواجه است: مبارزه با کهنه گرای دینی و مبارزه با آینده - گرای سوسیالیستی. و همچنان که هر جا که این بران و بیان برای من تقدم میشود مبارزه علیه سوسیالیسم و مبارزه علیه دستگا ه دینی و دین، مقدم و غلبه می یابد. حتی با تمام آن نیز در ضمن انقلاب بورژوازی خویش با ترقه همین وظیفه روبرو بود و عملاً می گویند با زمان دادن یک، تنها خم شهبلیبرالی علیه روحانیت، توجه توده ها را از سوسیالیسم منحرف کند. چنین بسود خصلت مبارزه فرهنگی آلمان و مبارزه جمهوری خواهان بورژوازی علیه روحانیت در فرانسه (لنین، همان گفتار). و به عنوان مفسر به ما بدگفت که مبارزه بورژوازی بزرگ علیه حکومت دینی حاضر نیز همدی جز این ندارد. سوپای غوغای تسلیم یا تعطیلی آلمان موقوف هموم شهبلیبرالی برای حکومت و این دین و برپا کردن حکومت صریح خود و دین ویژه بورژوازی است تا مگر از این راه مانع گسترش آرمانهای سوسیالیستی گردند. بورژوازی ایران نیز اساساً "بورژوازی" ای است که در عصر امپریالیسم زاده شده و از ارتجاع گرای آن برکنار نشده است. البته دوره های وحدت کلمه پیش از استوار بورژوازی با روحانیت، طبعاً کوشش برای برپا کردن دین نوین همراه بوده، با بد مذهبی نو، بیخته تر، پیچیده تر، کارآمدتر، قرا هم کرد. زیرا فقط به ایست ترتیب میتوان لا اقل بخش از کارگران عقب مانده و بیخوش خود بورژوازی دهقانان را فریفت و به کمک کلیسا شتا فند تا وظیفه بزرگ و مقدس خود را در زمین نگاه داشتن توده ها در جنگ قیوم معنوی به انجام رساند. (لنین، نظرا حصار و طبقات نسبت به دین و کلیسا) اکنون که دین و دولت در هم عجم شده اند، جمهوری اسلامی برقرار نشده بورژوازی که نسبت به توانائی تاریخی روحانیت و برپا آوردن وظیفه بازاری نظام سرما به داری، متکران است. میگویند با هجوم قلابی علیه روحانیت، آن را بسوی سوی هدف صریح بورژوازی رهنمون شود که تا حدی زیاده، هر چند با دشواری ها موفق شده و در عین حال توجه توده ها را سوسیالیسم منحرف کند. پس شکفت آور نیست که آنها حتی دیندارتر از دینداران کسوفی سخن میگویند و برای "تقیاس" اسلام سینه چاک می دهند.

بقیه در صفحه

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

گزارشی از بازیهای ورزشی المپیک آرامنه

در نیمه دوم شهریور ماه بازیهای ورزشی المپیک آرامنه تحت عنوان اولین دوره بازیهای آرامنه ایران (پادبود شهدای ۱۷ شهریور) انجام گرفت و مسابقات به پایان رسید. نکته اصلی در اینجا ست که این بازیها صرفاً مسابقات ورزشی را دربر نمیگرفت بلکه مسابقات اجتماعی - سیاسی، فرهنگی را نیز دربر داشت و بیشتر سیاسی بود تا صرف ورزشی. جریان این قرار است که:

حزب ارتجاعی و وابسته به سربالیم آمریکا "داشناکسیون" در رژیم گذشته تمام سهاذهای فرهنگی - اجتماعی - ورزشی آرامنه را در اختیار داشت و در جهت پیش برد اهداف رژیم را سربالیم فعالیت میکرد و فرهنگ ارتجاعی را در میان مردم ترویج مینمود. یکی از این وسائل ورزشی بود و مخصوص بازیهای تحت عنوان المپیک آرامنه که همه ساله به رهبری باشگاه آزارات که گردانندگان آن همه داشناک میباشند انجام میگرفت. این بازیها برای باشگاه آزارات هم منبع درآمد خوبی بود و هم شعارهای ناسیونالیستی خود را مطرح مینمودند. ۱۷ سال تمام آنها این بازیها را رهبری میکردند. در سال گذشته طبعی سیاست آنها را افتا نمود و انجمنهای مختلف را که وابستگی به باشگاه آزارات نداشتند دعوت نمود تا برای بدست آوردن حقوق خود متحد شوند و خود سیر در سازماندهی و خرج و دخل بازیها سهم باشند. (در این بازیها انجمنها بدون اینکه نقشی در سازماندهی تبلیغات، درآمد و... داشته باشند، مقدار زیادی پول خرج میکردند و همیشه ضرر میدیدند) اما بعین اینگونه که اکنون فرهنگی دیرگام قدم نموده بود و همچنین بسیاری از انجمنها هنوز زمینه لازم را نداشتند تا سال گذشته نتایج آن گرفتار آنها نداشت این شعار را بین ورزشکاران انجمنهای مختلف و همچنین بین مردم سردوز میهای برای همکارانهای بعدی ایجاد نماید. بنا بر این میتوان گفت اولین پایه این حرکت را که اکنون بنا شده است. ۳ ماه قبل از شروع بازیها انجمنهای مختلف گرد هم آمدند تا بتوانند تحت پرچم مشترکی خواستههای خود را به باشگاه آزارات ارائه دهند. از آنجا که درآمد یکسال زمین مناسب در پنج انجمن هزاران - اریونی - ساتا هین - آرمین - اصقان موجود آمده بود جلسات تشکیل شد پس از مدتی انجمنهای ایران ۲ - آکس ۳ - وانا نیز به آن ملحق شدند و انجمنهای کوچک و بزرگ دیگری همگی به طریقی به آزارات وابسته هستند اعلام نمودند که شرکت نخواهند کرد. از این انجمنها تنها باشگاه هسیان واقع در تارمک می باشد که فعال است و بقیه آنها گروههای چند نفره پیش نیستند و هیچ تاثیر در روند بازیها نداشتند و نداشتند.

انجمنهای مخالف آزارات همگامی انجمنهای هستند که درجه مطرح هستند و کمیت و کیفیت قابل توجهی را ارائه میدهند. (اول در زمینه ورزشی، بعد

فرهنگی، بجز انجمن ملی و فرهنگی آرامنه ایران که اول فرهنگی و بعد ورزشی میباشد) میتوان گفت که همه این انجمنها نسبت به توده بازیها مرز بندی دارند و اگر اینها نیز در مواردی مطرح هستند از لحاظ مسائل خود ویژه ای که خاصه، آرمینی دارند میباشد از جمله میتوان از منستان شوروی را نام برد که انجمن ملی و فرهنگی آرامنه ایران مبلغ آن میباشد و این تبلیغ در جامعه زمین، ذهنی، مناسبی دارد. اکثریت آنها منقور در همه انجمنها میباشند. نقشی در اداره و با فعالیتها ندارند (بجز چند مورد ناچیز) اکثر این انجمنها از برنامهمه کانون حمایت میکنند و آنها را تأیید مینمایند.

بالاخره هیئتی از انجمنهای مذکور تشکیل شد. این هیئت طی جلسات متعددی خواستههای خود مبنی بر - دخالت در امر سازماندهی بازیها - ۲ تقسیم عادلانه درآمد بین انجمنهای شرکت کننده - ۳ مخالفت با طرح شعارهای ارتجاعی داشناکها - راه باشگاه آزارات ارائه داد و آزارات از قبول آن سر باز زد. آزارات با ورود داشت که این هیئت بتواند متقاضی را بخطر بیندازد از این رو در - تدارک بازیها طبق روال گذشته بود و سعی نمود با فریب و تهدید این همسنگی را از هم بپاشد. به همت نیروهای فعالی که در هیئت مشترک انجمنها بودند و با از بیرون به آنها یاری می رسانند، زمین ورزشی را فنی واقع در تارمک را جهت برگزاری بازیها آماده مینمودند. مردم نیز بی انداز کمکی مینمودند. انجمنها هر کدام مبلغی برای تدارکات ساختمانی منظور نمودند، هدف این بود که اگر تا آخرین لحظات آزارات حاضر قبول نکردن شرایط ذکر شده میباشد این انجمنها خود اقدام به برگزاری بازیها مستقل از آزارات نمایند. آزارات شرایط را نپذیرفت و زمانی بازیهای خود را به یاد بود یکی از اعضای رهبری حزب داشناک که خیا تشنه به خلق برای نیروهای آگاه روشن بود اعلام کرد. در همان روز هیئت انجمنها نیز زمان بازیهای خود را اعلام کرد. البته تا کنون ما ندانیم این هیئت در امر تبلیغ بسیار مسئولیت نشان داد و مردم را در جریان امر قرار نمیداد. این کمیود را شفاهاً اعضای انجمن و کتبیاً کانون در شروع بازیها جبران نمودند. و نتوانستند حمایت توده ای کسب کنند. وقتی آزارات دید که نیرو برای برگزاری بازیها ندارد مردم نیز از انجمنهای فوق حمایت میکنند تبلیغات مسموم کننده ای را شروع کرد. عنوان مینمود که این انجمنها وحدت ملی را بخطر می اندازند. آزارات تصمیم گرفت کاری کند که هیچکدام از بازیها انجام نگیرد (نه این و نه آن) اگر این طرح اجرا میشد آزارات میتوانست تبلیغ نماید که ای مردم بسیند ما هسر ساله یک دوره بازیها را داشتیم که بدان مناسبت دور هم جمع میشدیم و ملیت خود را حفظ میکردیم و اینها خرابکاری کردند و جلوی آنها گرفتند) البته این تبلیغ میتوانست در مردم تا شریادی داشته باشد

به همین خاطر نیز انجمنها تصمیم گرفتند که بازیها را هر طور شده انجام دهند. آزارات برای پیشبرد مقاصد خود شورای خلیفه گری و اسقف را با صلاح میانی قرار داد. اسقف بازیها را تحریم کرد و اعلام نمود هیچ بازی نباید انجام گیرد حتی جلسات سخنرانی نیز در تارمک برپا کردند و اسقف ورشش شورای خلیفه گری سخنرانسی نمودند. اما نتیجه ای نداشت و بازیها در روز زمین شده با شکوه هر چه تمام تر در حضور حدود ۱۰/۰۰۰ نفر گشتا پیش رفت. آزارات بازیهای خود را لغو کرد زیرا قادر به اجرای آن نبود. در این میان علاوه بر آزارات شورای خلیفه گری و اسقف نیز از افتاء شدند. اگر در ابتدای امر متقاضیها بین انجمنها و آزارات بود، حال تضاد بین انجمنها و آزارات و شورای خلیفه گری و اسقف نیز نمایانتر گشت. و این برای داشناکها یک شکست تاکتیکی بزرگ محسوب بود. درآمد ۱۲ روزی که بازیها انجام میگرفت: ۱ - ورزشکاران میدا هستند که جزا در این بازیها شرکت میکنند و از اینرو سعی مینمودند بهترا همیشه هم در زمین ورزشی هم اجتماعی و انتظامات فعالیت نمایند.

۲ - مردم کمال همکاری را در این بازیها نشان دادند و میدا هستند که این تنها یک بازی ورزشی نیست بلکه یک مبارزه سیاسی را در پی داشته است. داشناکها سعی میکردند بقبولانند که این کار - توده بازیها است تا از این طریق بتوانند مردم را به سمت خود جلب نمایند، اما جالب اینجاست که مردم حتی ورزشکاران انجمن وابسته به توده بازیها را نیز گهگاهی میخوردند و در عوض به شدیدترین وجهی از انجمنها دیگری مثل هرا زدان - هریونی حمایت میکردند. بلیطها ۲۰ ریال قیمت داشت و هر کس میخواست میخرید و هر کس که میخواست نمیخرید. اجباری نبود با این حال مردم هر کدام بجای خرید بلیط حتی ۱۰ الی ۱۰۰ بلیط برای کمک می خریدند. بعد از بازیها حدود ۲۰۰/۰۰۰ تومان تا سیات ورزشی ساخته شد که انجمنها اکنون از این تا سیات استفاده میکنند. داشناکها با نفوذی که در بخش ورزشی و غیره، در ادبوتلوویزیون و فدراسیون دارند سعی نمودند تا این بازیها اسکا می پیدا نکنند و در این زمینه موفق بودند، طوری که حتی دنبای ورزش نوشت اولین تجربه انشای بیون آرمینی نا موفق بود. انجمنها به دنبای ورزش شکایت کردند و حوا ستار ما حبه شدند و لی ترتیب اثر داده شد، مردم ورزش دوست نیز سخت خشمگین شدند.

در این بازیها ۹۱۰ ورزشکار شرکت داشت (در بین رشته فوتبال، بسکتبال، والیبال، بیسکیت و دو میدانی) در طی بازیها هیچ امتیازی به فدراسیون و دولت و غیره از طرف برگزار کنندگان ندادند. توده بود. این حرکت توده گیرترین و موفقیت آمیزترین حرکت در جامعه آرمینی پس از سالیان دراز بود.



مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست



فشار افکار عمومی جهان، سازمان عفوین الملل را وادار ساخت تا نماید در مورد شکنجه‌های وحشیانه رژیم موضعگیری نماید

ایماندگانی یا حتی که در زندانها صورت میگیرد آنقدر عظیم است که تا بدرتا ریخ نظر بر آن کمتر دیده شده است. کشتارهای دسته جمعی بدون اعلام نام اعدام شدگان شکنجه‌های وحشیانه از قبیل سوزاندن بدن زندانی با اطو، آتش سیکا و منقل کردن زندانی از سفاطق، شکنجیدن دست و پا بستن دستبندهای قیانی و اعمال شوک الکتریکی و... به شیوه‌های معمول و متداول جلادان خمینی بدل شده است.

در تهران شکنجه در زندان اوین مرکزیست و پاداران و پادانهای "امن" صورت میگیرد. انقلابیونی که در زیر شکنجه رژیم نهادت میرسد بطور دسته جمعی وبدون انتقال به پزشکی قانونی مرگودانهای در خارج شهر مدفون میشوند و این امرین از شهادت انقلابیون و نیش قریبه شربت رسیده است. این جنایات، تنها بل جنایات فانیستهای هیولری و پاد صهیونیستها متواتر در قبال مقایسه باشد.

اینک مزدوران و جلادان خمینی روی شکنجه گران شاه را سفید کرده اند گرچه از تجارب آنان سود میجویند، شکنجایی اخبار مربوط به جناح عظیم رژیم جمهوری اسلامی خشم جهانیان را شدت برانگیخته است. بطوریکه سازمان عفوین الملل تحت فشار افکار عمومی جهانی تا چاره موضعی گیری در قبال اعمال جنایتکارانه رژیم شده است. در گزارشی که از سوی این سازمان توأم با عکسهای ارتکنجه‌های رژیم منتشر شده آمده است:

شکنجه در ایران و با لاجم در زندان اوین به روشی معمول و متداول سدل گشته است. سوزاندن انقلابیون و ضرب و جرح آنها و اعدامهای دروغین در زندان صورت میگیرد.

در این گزارش گفته شده که تعدادی از زندانیان در زیر شکنجه کشته میشوند و آنگاه بعنوان اعدام شده قلمداد میشوند و همچنین نوشته شده که در زندان اوین اطاقی بنا اطاقی "اتو" وجود دارد که بیست و یک پای زندانیان را با آن میوزا کنند و در زیر میزی نام "بریزمین" حتمتاً با آتش سیکا ریختن میوزا شده میشود و همه این اعمال توسط "آسازاران" اقلات صورت میگیرد. در این گزارش عمق جنایات رژیم مسکین شده است و همچنین هیچگونه اشارهای به اعدامهای وسیع و اعلام نشده رژیم و همچنین دستگیریهایی گسترده ننموده است.

همانک جان دهها هزار نفر زندان انقلابی خلق که بحرم دفاع از مصالح کارگران و زحمتکشان در زیر شکنجه‌های وحشیانه جلادان رژیم جمهوری اسلامی قرار دارند در معرض خطر جدی قرار دارند. با بدیروهای انقلابی و دمکرات در سطح جهان و بیوزیه هواداران سازمانها بکوشند ضمن افضای جنایات رژیم، هشت هائی متشکل از حقوقدانان دمکرات راجعت باز پیدا زندانیهای ایران و بررسی وضعیت انقلابیون اسیر در ایران بفرستند، با بدکوشیدایم جنایات رژیم را در سطح جهان مسکین کرد و خمینی جلاد و همه مزدوران را در سطح جهان افسان نمود.

رفسنجانی: نفع از صفحه ۸

مهر جمهوری اسلامی...

اخراج و دستکرسکند، دانش آموزان را بزرگوار رنفتن و عقابان نگاه میدارد. آلبوکهای حاشه نشینان را بر سرشان جرات میکند، جمهوری اسلامی، خلق را سرکوب میکند زیرا میخواهد ما لکنت خصوصی و سرما به را بس دارد.

اما کمونیستها حامی منافع بیرونتاریا و زحمتکشانند. کمونیستها فیهراً انقلابی را نه سر علیه خلق بلکه سر علیه سرما به داران و زمینداران، مفسخواران و واباش و مزدوران آنها بکار میگیرند. کمونیستها هرگز و بجا و مت سرما به داران و عوام مل آنها در مقابل اراده، خلق و اراده، کارگران را سرکوب می کنند زیرا میخواهند منافع بیرونتاریا را بس دارند جمهوری اسلامی حامی سرمایه داران است و از این جهت که زندانیها را از جوانان صیقلی است، انقلابیون را کشتار میکند دشمنان و کودگان را بد و حشانه ترسین کتل اعدام میکند و مطا رزس را به رزس شکنجه‌های فزونی میگذارد. جمهوری اسلامی سر از ۳۰۰۰ انقلابی را در مدت ۶ ماه اعدام کرده است. بیش از ۲۰۰۰۰ جوان مبارز را در زندانها سزیر شکنجه کشیده و در تمامی جا مدها سور، خفقان، احقاقی، سرکوب و خورع و وحشت خاکسم کرده زیرا که میخواهد امنیت سرما به را حفظ کند.

اما کمونیستها حامی منافع کارگران و زحمتکشانند. کمونیستها نوید آزادی میدهند. کمونیستها و سفیرین دمکراسی را در جا مدها کم میکنند. کمونیستها آزادی بیان و قلم، مطبوعات، برادیسو و تلویزیون، آزادی استفاده، اعتراض، نظرات، اعتقاد و... را برای تمامی خلق تا من میکنند. کمونیستها تنها سرما به داران و آنان که خواهان مقاومت در مقابل خلق، خواهان حفظ منافع امیرالاسم، خواهان نردگی و اسارت انسانند، دیکتاتوری میراشد.

آری براساسی که رژیم جلاد جمهوری اسلامی، هاسی رنفتن و دستکرسکند در حمان حکومتی تا رکبست نیستند، آنان حافظان منافع سرما به دارانند.

ضرورت جدائی...

نفع از صفحه ۱۲
سوزواری حمان که در مقطع قسام سزیدیم، است یعنی رهبری روحانیت مخالفی ندارد. بلکه در اینها است که بسوا بدانین طباب سوسیده مفصص تاریخی جوسی برسد. این است رمز سرخوردن دوگانه: کسبی سوزواری با روحانیت و حکومت دینی کسبی. انکار رسمی توانی کرد که لایه‌های سوزواری شوریه آرما سبای دمکراتیک احداث خود سبای سدی نشان میدهد. شانه هائی از رابیکالسم کدایی سوزواری را نشان میدهد. اما صدای این لایه‌ها در آنسوا ربحاج کرابی عمومی سوزواری بدرحم شده مسود و سوزواری است که خواهی در رحس هتکا مای از سزید طبعا، اسرحمدارو عیدهدا روظیفه، مآرزه با حکومت دینی بود، مآرزه با ایدئولوژی دینی که جای خود دارد، اینها وظایفی است سوزواری که به سبب صفت تاریخی سوزواری و بسودان با سوزواری امیرالاسم، با چاره عیده، بیرونتاریا و مسحدان آن میفتند.

ادامه دارد



جان هزاران زندانی سیاسی در خطر است

هموطنان مبارز!
رژیم جمهوری اسلامی پس از آنکه بیش از ۳۰۰۰ کودک، جوان و زن و مرد را به دست جوخه‌های مرگ خود اعدام کرد، اینک که در مقابل خشم و نفرت کارگران و زحمتکشان قرار گرفته است دست به اعدامهای مخفیانه میزند. بر طبق اخباری که از زندانیها میرسد رژیم جوانان بسیاری را در زیر شکنجه شهید میکند و با بدست جوخه‌های اعدام میسبارد و حاد آنرا مخفیانه در گورهای دسته جمعی و یا منظرهای متروکه خارج زهر (مثلاً T) با سارق دیمی سف در میوشه (سر) میزد و سر به نیست میکند تا خبر جنا یا نش به گوش مردم نرسد.

هموطنان مبارز!
اینک جان بیش از ۱۸ هزار زندانی سیاسی - انقلابی که در دست جلادان جمهوری اسلامی اسیرند در خطر مرگ قرار دارد و با بدستیا حاست و در جهت آزادی زندانیان سیاسی و مبارزان و مقامات اعدام انقلابیون، شکنجه و کشتار رسا رزده نمود. تا زمانی که رژیم جمهوری اسلامی و هر رژیم سرما به داری دیگر بر ایران حکومت میکند، تا زمانی که رژیم در جهت پیشبرد منافع سرما به داران و امیرالاسم و در جهت سرکوب مبارزات توده‌ها حرکت میکند، اعدام انقلابیون، شکنجه، نفسین عقاید و زندانیان باقیست، پس با بد مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی - انقلابی را تا مبارزه برای سرکوبی رژیم جمهوری اسلامی نداد و مخصید.

زندانی سیاسی، به همت توده‌ها، آزادیابد کرد، جمهوری اسلامی، با قهر انقلابی، تا بودا بد کردد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

گزارشی از مقاومت کشاورزان گیلان در مقابل فروش اجباری برنج و بررسی آماری میزان فروش برنج به دولت



گزارشهای روستائی

۴۰۰۰۰ تن رسید (یعنی از ۱۱ آذر تا ۱۹ آذر به طور متوسط ۶۲۵ تن در هر روز) که البته ارقام خرید در شهرهای مختلف با هم فرق میکند. بعضی از شهرها مانند رشت حالت نزولی داشته بطور مثال مقدار ریسنج خریداری شده تا تاریخ ۱۰ آذر در رشت به ۱۰۰۰۰ تن رسیده بود (که بطور متوسط از ۱۵ تا ۱۰ آذر در حدود ۱۸۱ تن در هر روز) ولی این مقدار در تاریخ ۱۹ آذر حدوداً ۱۱۰۰۰ تن رسید (یعنی از ۱۱ آذر تا ۱۹ آذر بطور متوسط برای هر روز ۱۲۵ تن - می باشد) و در بعضی شهرها حالت صعودی بطور مثال در قوس تا تاریخ ۱۲ آذر ماه در حدود ۳۵۰۰ تن خرید شده بود (از ۱۵ مهر تا ۱۲ آذر بطور متوسط ۶۱ تن در هر روز) که این مقدار تا تاریخ ۱۹ آذر به ۴۰۰۰ تن رسید (از تاریخ ۱۳ آذر تا ۱۹ آذر بطور متوسط برای هر روز ۲۱ تن).

با وجود تمام تبلیغات حاکیست مسی بر استقبال کشاورزان از این طرح آئند شواهد و ارقام نشان میدهد چاکلی از عدم بقصد در صفحه ۱۸

در آبان ماه با افزایش دولتی این حلیه حاکیست نیز شماری نداشت بطور مثال در قومن تا ۶۰/۸/۲۶ مقدار ریسنجی که از شرکتهای تعاونی خریداری و به انبار مرکزی فرستاده شده بود بیش از ۲۸۰۰۰ تن بود (این مقدار ریسنج از کشاورزان گیلانی خریداری شده بود که اکثر آنها از لحاظ مالی در تنگنا بودند) که تقریباً در حدود ۲۰ تن بطور متوسط در هر روز میشود و این مقدار به علت عدم استقبال در تاریخ ۶۰/۹/۴ تقریباً به بیش از ۳۰۰۰ تن رسید (یعنی از ۲۷ آبان تا ۱۴ آذر مقدار خرید ریسنج بطور متوسط به ۲۱ تن در هر روز رسید) و به همین دلیل بود که حاکیست - مجبور شد در تاریخ ۶۰/۹/۱۵ ضمن تشکر از کشاورزان بعلت استقبال طی اطلاعیه ای با پاداش غیر نقدی (جنسی) سعی کرد تا کشاورزان را تشویق کند تا ریسنج خود را به دولت بفروشند.

و همچنین با زیاده کردن روزهای خرید (در ابتدا روزهای پنجشنبه و دو شنبه خرید نمی شد ولی در تاریخ ۱۲ آذر ریسنج شنبه از کشاورزان قومنات ریسنج خریداری شد) و نیز فرستادن اکیب های سیار به روستاهای دوری مخصوص در اطراف کارخانه های ریسنج کوپ و حجت خود را از عدم استقبال کشاورزان نشان داد و علیرغم تمام دست - دل بازیها مقدار ریسنج خریداری شده از روستاهای قومن تا تاریخ ۱۲ آذر تقریباً ۳۵۰۰ تن رسید (یعنی از ۵ تا ۱۲ آذر ماه بطور متوسط تقریباً در حدود ۵۶۰ تن در روز) کشاورزان تا تاریخ ۱۲ آذر - نمیتوانستند ریسنج خود را با قیمتی بالاتر از نرخ تعیین شده بسج اقتصاد کسور به واسطه های بازار و علاقمندان بفروشند ولی دولت طی اطلاعیه ای به کلیه علاقمندان و تجار ریسنج هشدار داد تا اگر تا تاریخ ۱۷ آذر ماه کلیه ریسنجهای خود را با دستا رهای بسج اقتصاد تحویل ندهند کلیه ریسنج آنها مصادف خواهد شد و به این ترتیب آخرین راه برای فروش ریسنج شیرا در دست کشاورزان گرفته شد (بطور مثال تا تاریخ ۱۲ آذر در حدود بیش از ۱۰۰۰ تن ریسنج گیلان خارج میشد گرفته شده است و بعضی از کشاورزان حومه رشت به گفته یکی از کارمندان تعاونی روستائی برخیهای خود را با دستا رسیرا همه به طرف بلیس راه حمل میکنند و از آنجا با ماشین به تهران میروند.

علیرغم تمام فشارهای راکه از طرف دولت به کشاورزان تحمیل میشود ولی باز هم آنها را نمیستند ریسنج خود را به دولت بفروشند و جالب اینکه مقدار ریسنج خریداری شده در هفته های اخیر چنان باین ترتیب است نظار دولت بود که علاوه بر اینکه ۲ ریال در آذر ماه صرفت ریسنج افزود، بسیاری نسوی را نیز به همراه هیئتی به انبار گیلان فرستاد، بطور مثال مقدار ریسنج خریداری شده از کشاورزان گیلان تا تاریخ ۱۰ آذر به ۳۵۰۰۰ تن رسید (یعنی از تاریخ ۱۵ مهر تا ۱۰ آذر بطور متوسط ۶۳۶ تن در هر روز) و این مقدار در تاریخ ۱۹ آذر به

خرید ریسنج از طریق شرکتهای تعاونی روستائی که تعداد آن در استان گیلان در حدود ۳۰۰ عدد می باشد تقریباً ۱۵ - مهر ماه طبق دستور ستاد بسج اقتصادی از کشاورزان روستاهای گیلان شروع شده است ما موران خرید ریسنج از کشاورزان - از ۵ نفر که ۲ نفر آنها کارمندان سازمان تعاون روستائی آن شهر و ۳ نفر دیگر یکی نماینده ستاد بسج اقتصادی (کارشنا بر) و نفر دیگر نماینده جهاد سازندگی سوسی در شهر از خبر ما با زار (دلایل ریسنج که هر روز ۲۰۰ تومان مزد میگردد) و در روستا از کشاورزان وابسته به انجمن اسلامی که از طریق فرمانداری آن شهر تعیین میشود تشکیل گردیده است قابل توضیح است که جزء ۲ نفر کارمندان که عضوهای ثابت ما مور خرید ریسنج در یک روستا هستند ۳ نفر بعدی هر روز تغییر میکنند و به روستاهای دیگر میروند.

ریسنجائی که شرکت تعاونی از روستائیان خریداری میکنند ۷ نوع است که ریسنج صدری بسیار خوب را ممتاز و صدری کمی تا مرغوب را درجه یک و صدری کمی تا مرغوب تر از درجه یک را درجه دو و ریسنج صدری تا مرغوب را بی نام محکم میزنند، از ریسنجهای دیگر چمنی - قریب و چمنیا را میتوان نام برد.

برای خرید ریسنج در هر شهرستان چند حوزه مرکزی وجود دارد که خود حوزه های مرکزی نیز نسبت به تعداد کشاورزان و روستا به حوزه های کوچکتر تقسیم میشوند مثلاً برای نمونه در قومنات به گفته یکی از کارمندان جمعاً ۲۵ حوزه مرکزی کوچک و بزرگ و با درشت ۱۸ حوزه مرکزی مشغول خرید ریسنج میباشد.

طریقه خرید

ابتدا در حوزه ها خرید ریسنج ریسنج کشاورزان نسبت به مرغوبیتی که دارد از عالی تا چمنیا محکم میزنند و با انکیست نوع آن را مشخص میکنند (توضیح اینکه به گفته یک ما مور خریداریها پیش آمده است که کشاورزان بر سر مسئله مرغوب فروختن ریسنج با کارشناسان (نمایندگان بسج اقتصادی) به گفتگو پرداخته و به آنها فحش داده اند) سپس ریسنجهای خریداری شده در هر حوزه را به انبار مرکزی هر شهرستان منتقل میکنند و با زهم دوباره توسط افرادی که در انبار مرکزی هستند نوع آن محکم زده میشود، سپس از با رگیری مستقماً به شهرستان مورد نظر فرستاده میشود (کارگران انبار مرکزی قومن تقریباً ۳۲ نفر میباشد که به ازای هر تن ریسنجی که از ماشین تخلیه میکنند ۲۰ تومان و به ازای هر تن ریسنجی که داخل کوپنها می کنند ۵ تومان و به ازای هر تن ریسنجی که با رگیری میکنند ۱۰ تومان دریافت می نمایند).

عدم استقبال کشاورزان از فروش برنج

در مهر ماه کشاورزان از این طرح استقبال چندانی نکردند و به همین منظور دولت مجبور شد ۲ ریال بر قیمت ریسنج

توضیح هشت تجربه

توسعه سازمان باسی شان بسج صرفت احادیه های کارگری در سورا های احادیه ها مشتمل می گردند و به احادیه های سرخ (واسته بین المللی سوم) ملحق می شدند (از دوره ۱۹۱۹ به بعد) در سربز کارگران سازمانی به نام حزب کارگری (احادیه) تشکیل دادند و در تاریخ ۳ هزار نفر، که در انبار سزدک با ده هزار بیشتر و روگاسد، سبزر قرار داشت. جشن های اعطای کارگران، در سراسر - دوران تاکنون همواره نقش محسوس کرد نیرومندی برای توسعه انقلاب و حطت پرولتری هستند به آن را اعلا کرده است اردهه، چهل به بعد، با وجود تعدادی صغی ندن ارگاسک، طیفه کارگران ایران به مرکزیات اقتصادی ایران بدل شد. وجود صنعت نفت (وصایح واسته بدان) که تا سرطمی بر کل روند اقتصادی ایران دارد و اثرات آن بر قمل و - اعمالیات را از جهای انگار با بسج است. به طیفه کارگران ایران قدرتی عظیم بحسده است. همچنان با بقود سرما سده - داری به روستا، بسیاری از روستائیان گیلان ورزی بدست آمده است که میتواند در رهبری روستائیان بسج بسج اعلا کند. بسج و ملی انقلاب، با رهبری طیفه کارگران سبزر است.

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

سمازستان نیز یعنی مثل همیشه تلوغ است، از ساعت ۹ صبح مردم منتظر دکتر هائی هستند که از ساعت ۹ شروع به آمدن می‌کنند: همه با نمره هائی دردست، دردی در جبهه و احیاناً سیسکوتی دردسپه... بچه‌ها بنان در خود فرو رفته اند، گاهی با همراهمان کلمه‌ای ردوبدل می‌کنند اما عمدتاً ساکت هستند، بعد کم‌کم بی‌تاب میشوند. ۱/۵ ساعت می‌گذرد و هنوز دکتر هائیا آمده اند. اما این بی‌تابی فقط در خود می‌ماند و هیچ روزی جز ناله‌های گوناگون و بی‌حسب و تاب‌های بدن نیست که های سخت‌نادر و جندی، در دسته‌دسته روی زمین نشسته‌اند، گروهی هم نزدیک بله‌های در ورودی گرم صحت ایستاده‌اند به این گروه نزدیک می‌نوموسعی می‌کنیم - حرف‌ها بی‌تابان را بشنوم، خانم سیتا "منی که دختر بچه کوچکی را در آغوش داشت و چادر گلدارى با گل‌های درشت به سر با لجه اصفهانی ننداشتند سکوت: خوب معلوم است آنها میخواهند یا خودشان یا شاید با هیچکس. برای آنها جان یک عده جوان جبارتی دارد، می‌نندند به گلوله، انگار خان سیت چند راست خان جوانی که بی‌خادری و دل‌ساز مده‌ای پوشیده بود و بعد حسن صحبت معلوم شد معلوم است سیتا تمخریفت: "مقدم هرچی میشی بیاد بده امضا: مردم در صحنه میرسانند معلوم نیست ای مردم در صحنه چه کسانی هستند هر کس که ما می‌سیم که در صحنه مقابل این رژیم است زن دیگری که در میانی پوشیده - چادر سبکی به سر داشت و خا ملبه بود سبکی ختم حاشی می‌کوند: "کدام مردم در صحنه" اگر حکومت استیا مردمی است پس چرا در مدرسه‌ها را سرچ ساخته‌اند، پس چرا می‌رسند، اگر مردمی هستند احتیاج به این چیزها ندارد مردم خودشان محافظت میکنند ناره... خانم اصغری حرفش را قطع کرد که: "اگر کسی بجوا هدیک کاری نکند این جسر ها جلود را بر سر سست بر سر آدمین - با سدار است جلوه ۱۶ ساله است اما خوب با سدار است، دبیت آمده بود خانه ما - کار میزیدی خوش در می آمد، مدانی چرا؟ سوکمنه ما آن همه تکمیلان اعلامیه محاهدین را سدا کرده بود و دینی سیدم بود لیسیم فدای سدا ما: الله بهای جوانها" خانم

مردم چه میگویند، مردم چه میخواهند؟

معلم با لحنی سرتا را ز تحسین و احترام گفت: "این جوانها با زندگی شان بازی میکنند عجب ایما سی دارند هر صبح که بلند می‌شی یا شعرهای جدید نوشته اند یا اعلامیه‌هایش کرده اند، اندایان با یاد این جبهه - ها را ستایش کرد پیرزنی که از لجه اش مشخص بود ارمی است و تا کتون سکوت کرده بود گفت: "آره همش هم از تلویزیون میگویند اینها از بین رفته اند اینها چیزی نیستند" خانم جا ملبه با یک بخشید روی پله "اول نشست و گفت: "اینها که را دیون تلویزیون دستونه و از صبح تا شب تبلیغ و تشویق میکنند، بیایند یک ساعت تلویزیون را دست این جوانها بدهند، بیسیم اینها چه میگویند اینها چی که چند نفر از پله‌ها با لامپا مددوزن صحبت - اش را قطع کرد، بعد از اینکه این عده وارد سالن شدند زن ادا مدها دک: "آره نا شتم می‌گفتم اینها چی را که اعسندام می‌کنند خوب دادگاه یکی از آنها را نشان بدهند که بیسیم چه میگویند" دختر ۱۵-۱۶ ساله‌ای که تازه آمده بود در حالیکه دختر بجای کوچکی را از زلف خانم من اصفهانی می‌گرفت با همان لجه: ما درش به خنده گفت: "خوب دیکه همین یک مورد معلوم است که همه حرفها بیان دروغ است اگر راست بود که نمی‌توانستند می‌گذاشتند اینها هم حرف بزنند "سره خانم اصفهانی را خواندند وی همرا دخترش خدا حافظی کرد و رفت بعد از چند لحظه سکوت خانم سیم ارمنی خطاب به معلم جوان با حال سست سئوالی گفت: "خوب فایده نوشتن شعرا و بیخشان اعلامیه چیست، اینها که نمی‌توانند کاری از پیش ببرند." خانم جا ملبه نشست اعتراض کرد که: "برای من و نوبی بسواد می‌نویسند و میگویند ما آگاه شویم" و از

جایمان بلند شویم "پیرزن التماس - آمیز گفت "قریونت برم، سر این چیزها استقدر حرص نخور، منکه چیزی نگفتم چون لجه‌ها ن فرقی داشت بنظر می‌آمد ما در شهر و عروس با شند، خانم معلم مثل اینکه با خودش حرف بزند یا آرمی - میگفت: "هر وقت یک شعر جدید تو کوچه می‌بینم دلم میخواهد بروم دیوار را بسوسم چون میدانم کسانیکه اعدام میشوند بخاطر همین شعرها ست، چون میدونم این شعرها با خون جوانهای قهرمان نوشته شده، خدا یا زبانشان کن". یاد زن زحمتکشی افتادم که در کودکی زندگی می‌کند و گفته بود: "وقتی صبح بلند می‌شوم می‌نوموسعی می‌کنم دیوار شعرا نوشته شده می‌فهمم تنها نیستم کسی هست که از ما حمایت کند" و زحمتکش دیگری که با یکی از رفقا در دل کرده بود و نا راحت بود که در خانه همسایه اعلامیه انداختند اما در خانه آنها ننداختند اینها رفیقانی که در اصفهان چند اعلامیه زندانی سیاسی آزادیا بگرد در را پخش کرده بود و تشریف می‌کرد که وقتی به منزل یکی از همسایه‌های همان محل رفتیم با شوق زیاد لوصفی برای ما اعلامیه را آورد و خواست که سه تا از روی آن بنویسم و گفت "شوهرم کارگر ایران ناسیونال - است میتواند بخواند ما نمی‌تواند بنویسد گفته اگر چندتا از این را بر سر کارخانه مثل شتر به بدن حزب الهی زده ام و دلم خنک میشود"

آری! توده‌ها تشنه شیدند هر چند هنوز در نیافتاده اند که خودیا بدبختی زنده این بار سنگین مسئولیت ما را افزون میکنند. زمین بگرتوده‌ها در انتظار رسیدن آگاهی است: بدی که با هوا اعلامیه تراکت و شعرا رگسترانده میشود. هر چند در زیر چکه‌های درخیم بیدار افشانی سهیل نیست، اما آنگاه که به فصل درویندیشی آنگاه که بیینی با غی که اینک با لاله‌های سرخ پوشیده است و با شبنم عشق به خلق آبیاری میشود فردا از خونه‌های خشم خلق بر میگردد و با نقایق انقلاب بیار می‌نشیند، دیگر چه مرگ آسان میگردد - چه مرگ حسی می‌شاید، بگذازم را بکشند ما، در بهاران با انقلاب خواهیم روئید.

زنده باد انقلاب پرو

نفسه ۲ صفحه ۹

"و سایر رسته "سرمحتی اش را در برابر صفوف متحد کارگران نشان داد، اما اعصاب محمدا را دامه داشت صاحبان - واحدهای تولیدی از دولت تقاضای ایجاد تدا سرچش تری را در برابر سر جیبی ساختن خواسته‌ها کردی می‌کردند. در چهارم زوشی، کپوری از افراد گیاره پلیس دستور ساگاری محظ، سمت سرگروه مندودیده براد افدا دند. مبارزه خونبار ۸۰۰ تن از کارگران و تهیدستان منطقه ساپلیس مزدور سوما به معقد حوسن دیگری در نا ریح مبارزات زحمتکشان برونی نجا گدانت.

در ۲۸ روشن دولت جوسا، در راستای آماده‌سازن هر چند سراسر خط برای در با تمام رگروهی از ساکلهای آمریکا، سرانهای اقتصاد می را اعلام کرد که می‌توانست چیزی حرف لاک هر

جه بیشتر اقامت می‌بمراه داشته باشد. بر نیسان داین بر لیسه ارزش پول پیرو یعنی "سول"، به یکباره ۳۱ درصد سزل - پیدا کرد. سایر مواد غذایی یکبار دیگر و نیمه به بیان ۲۵ تا ۳۰ درصد افزایش یافت، و سطح دستمزد ها حتی از سطحی که هشت سال پیش از آن داشت نیز پایین تر افتاد.

درواکنش به ارائه و نتایج شععی این برنا مه، مبارزات کارگران برونی و تهیدستان شهری، ابعاد گسترده تتری می‌یافت. مبارزاتی همسنگ با مبارزات توده‌های منطقه "وینا رینه"، اینجا و آنجا محتم می‌خورد. جونتای نظ می در برابر موج مردم میزبان، بن اعتراضات تصمیم گرفت تا تمامی حقوق اجتماعی که موجب قانون اساسی، نصبت شهروندان برونی مسد، زسرا گذارد، بر فراری منع عبور و مرور سنا به، سوند روزنامه‌های سنا "سرفی، مردود مردن حق اعصاب برای کارگران و کارمندان، بر فراری "شرایط اضطراری" که سوجه آن، هرگوسه اعصاب

و کم کاری را با اخراج و دستگیری با سخ ممداد، از آن جمله بود. خونستای نظا مسی این حق را نیز برای خود قائل شده‌ها می‌تواند سیری را که تحت نام شرایط "اضطاری اعلام کرده و یکبار گرفته بود، در پایان هر یکما برای یکما دیگر تجدید کند و این کار را نیز کرد.

اما جنبش حق طلبانه کارگران و شهیدستان همچنان به صورت گوناگون برای تحقق خواست‌هایش پای می‌نبرد. اتحادیه - گراشی همچنان در میان زحمتکشان دان می‌گستراند و حتی کارکنان بخش دولتی را که بموجب قانون از زمان یایی در هر شکل صنفی منع شده بودند نیز در بر می‌گرفت.

از سوی این هیئت خونستای نظا مسی آگاه برنا توانی خویش، در پی چگونگی اعمال تدا سیری بوده که در مارس ۱۹۷۷ و بدستال با زنده‌هیشتی از سوی "صندوق بین المللی پول" (I.M.F) دیکته شده بود این تدا سیر عیارت بودند از فروش تمامی نفیه در صفحه ۲

استقلال - کار - مسکن - آزادی



جنبش مقاومت خلق کرد

*** یوکان *** ۶۰/۹/۱۲ شب ۶۰ بشمرگان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران وارد شهرتوکان شدند و بعد از ساعتی از شهر را تحت کنترل خود در آوردند. بشمرگان بلافاصله در مسیر حرکت خود جنبه ساد را که در جلو شهر با نسی ایستاده بودند بهلاکت رساندند. نیروهای سرکوت رژیم ارتش جرئت بیرون آمدن از بنا هکاهای خود را نداشتند. بشمرگان فدائی که با استقبال مردم مبارز یوکان روبرو شده بودند به تبلیغ مواضع انقلابی سازمان پرداختند. در همین اثناء عده ای از بشمرگان فدائی وارد اداره کثا ورزی شده و مقدار زیادی وسایل مورد احتیاج خود را از رژیم مصادره نمودند و سپس همگی سالم به بیابانها خود بازمیگشتند.

*** نانه *** رژیم جهت سرکوت مردم (به اصطلاح باکازی) روستاهای جاده پانته و سرشت حدود ۱۵ هزار نفر از نیروهای سرکوتی خود را بسیج نموده که در تاریخ ۶۰/۹/۱۵ حدود ۱۶ کیلومتر پیشروی نموده ولی در این نقطه متوقف مانده است. بشمرگان قهرمان جنبش مقاومت بسا رشادتی بی نظیر باعث توقف این ستون گشته و تلفات و خسارات سنگینی را بسا خصم مزدور وارد آورده اند تا بحال در این جنگ تا بر سر ولی قهرمان نانه یکی از فرماندهان نظامی حزب دمکرات کردستان ایران به نام "کاک هوزار" به همراه ۶ تن دیگر از بشمرگان شهید شده اند. یادشان گرامی باد.

*** یوکان *** ۶۰/۹/۱۹ در شهر یوکان - سرخوردندیدی بس بشمرگان کومله و نیروهای سرکوت رژیم در خیا با نهی - یوکان در گرفت و تعداد زیادی از سرکوت - گران کشته و زخمی شدند. همچنین - مقداری سلاح سبک به دست بشمرگان افتاد. در این درگیری یکی از بشمرگان کومله بسا حمید سلطانی به شهادت رسید. یادش گرامی باد.

*** مهابان *** پس از اعدام بیش از ۱۵ نفر از فرزندان انقلابی خلق کرد توسط - مزدوران رژیم ضد انقلابی و ارتجاعی جمهوری اسلامی مردم مهابان به کده طی دو سال گذشته همچنان یکی از ارکان اصلی مقاومت خلق کرد بوده اند برای تشویق جنازه شهدا به خیا با نهی میزدند و با شوری انقلابی با فرزندان قهرمان خود را گرامی داشتند. در حین انجام مراسم - مردم قهرمان مهابان با موردتها جموجنیانه با ساداران سرمایه قرار میگیرند که در - نتیجه ۳ نفر از اهالی شهر به شهادت - میرسند.

***** یک آموزگار رقص سرسبزی که از فانیهای سرنسی میباشند توسط نیروهای انقلابی دستگیر و ترور شدند. ***** کاران : دو با ساداره مهابان مراد و معنوب که در ارتباط با معنوب شدن یک هزار لیتر نفت به همراه ۳ تن دیگر دستگیر کرده بودند. پس از ترس در دادگاه صفای استعفاء نموده اند. نام ۲ تن از سه نفر مذکور صفای تخی و ولی می باشد.

***** به ما سست ما لروز شهادت رفیق مختار رفیعه و سنی یکی از بهترین فرزندان خلق کرد و همسر رفیق کسیرمان اسکندر و رفیق احمد افندی یکی دیگر از بشمرگان فدائی خلق کرد. تشکلات جنوب کردستان در خروهای شرح حال این دو رفیق را - باز کرده اند ***** مجروحان کاساران ***** سفر کلاشی

گفته اند همه روستا را تخلیه کنید و به شهر بروید. روستائیان با حالت تعجب آوری جواب داده اند، "کجا برویم تمام زندگی و هستیمان اینجاست" در اشدت و آزار روستائیان بسوسله: با ساداران در طول یک هفته چندین خانوار ساکن روستای قشلاق که در ۳ کیلومتری روستای کیوان قرار دارد به کرمانشا کوچ نموده اند. روستائیان میگویند: از یکطرف دولت هوجبناج راه می آید از دومیگویی مردم شهرها با یدیه روستاها بروندوبه ارتولید کثا ورزی مشغول شوند و از طرف دیگر عوام مل رژیم عملاً ما را از روستاها میرانند و به ترک محل زندگی و آوارگی و آواره شهرها میسایند. نمی دانیم قسمت عیاس را قبول کنیم یا دم خروین را!

۶۰/۹/۲۰ هفته پیش در یک درگیری که بین بشمرگان حزب دمکرات کردستان و با ساداران و افراد بسیج مستقر در روستای کیوان درگرفته قشلاق واقع در محور جاده کامیاران - سنقر کلیا شی رخ داده و نفر از با ساداران زخمی شدند. بدنبال آن با ساداران مستقر در کامیاران و سنقر در روستای کیوان، سرخت و حملات خود را به روستاهای باغله، علیا، باغله، سفلی، کشمیر علیا و سفلی و بان - کسید و دیگر روستاهای اطراف شروع کردند بیشترین فشار با ساداران مزدور بر روستائیان باغله، علیا بود، زیرا اهالی این روستا از وحدت بیشتری برخوردارند و از جنبش مقاومت خلق کرد حمایت بیشتری میکنند. با ساداران به روستائیان -

۱۶ آذر روز دانشجو گرامی باد

دانشجویان مبارز

۱۶ آذر یادآور خاطره جبهه دانشجوان مبارز است. در سال که امپریالیسم با کودتای ۲۸ مرداد، رژیم شاه را شلخت نموده جهت حای خود را به ایران تحرام دانست. حجت بعضی از اندیشه بسید، اما دانشجوان مبارز دانشگاه تهران با اعتراض خود نخستین طایفه جدی و دانه را به بر علیه رژیم کودتا سازمان دادند. در این راه من از فرزندان دلاور خلق و بسوزن نیت، شریعت رضوی و همدردی به شهادت رسیدند و حماسه ۱۶ آذر روز دانشجو پدید آمد. هم سال در این روز دانشجو بان مراسم ایران لغزش و انزجار خود را با بر پای تظاهرات، از حکومت استبداد بیان میداشتند.

در روزهای تمام دانشگاه یکی از کانونهای آگاهی بود و به میدان نبرد علیه رژیم وابسته بدل گردید. بعد از تمام حکومت جمهوری اسلامی مک دشمن آگاهی توده هاست از میان روزهای اولی حکومت میاید این ستر آگاهی و مبارزه را هدف قرار داد و بالاخره تحت لوای "کتاب" و "انقلاب فرهنگی" با قهر توده دانشجوان و استادان انقلابی را از دانشگاه بیرون و آن را تحویل داد.

تا حال صد ها دانشجو مبارز زندانی با به جوخه های آتزر سپرده شده اند و حکومت ملامت و خفای را بر جامعه حاکم گردانیده است. دانشجوان انقلابی اکنون بدت یکسال و اندی است که درهای دانشگاه توسط رژیم ضد خلق بسته شده است. لیکن مبارز جامعه خود تبدیل به دانشگاه شده و هر روز خاطره آذر است که بخت رژیم را بلرزه میداند. **پس بگردن شما شمشیر**

و با مبارزات پیگیرانه خود، ۱۶ آذر، نمای نوپوشی

و خلق نمایانیم

بنگام - خلیج

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

اخبار مدارس

گرمایشگاه - ۶۰/۹/۲۰

اخیراً بخشنامه‌ای به مدارس ارسال گردیده با عنوان خیلی محرمانه، کسه یکی از مستخدمین مدرسه مسئول کنترل درب ورودی و بازرسی بدنی دانش آموزان و کنترل شدید و دقیق آنان باشد. این هم‌کوشی‌ای از اقدامات کشیف رژیم است که میخواهد از وجود مستخدمین اینگونه استفاده نماید. رژیم با علم به اینکه این مزدگیران زحمتکش از ترس اینکه می‌آید همین منبع درآمدنا چیز خود را از دست بدهند مجبور به پذیرش این وظیفه کشیف جاسوسی خواهند شد بدون مشورت با آنان که آیا تمایل به انجام چنین کاری دارند یا نه؟ یک جانبه و بدون اطلاع خودآنها چنین تصمیمی را در مورد آنان اتخاذ کرده و محرمانه به مدارس بخشنامه نموده است. نیروهای مترقی و مستخدمین مبارز است که با افشا این سیاستهای فداانسی و دخالتی رژیم در مقابل این سوءاستفاده ها ایستادگی کرده، نقشه‌های پلیسند آنان را نقش بر آب کنند.

تهران - منطقه ۱۴:

دانش آموزانی که از طرف آموزشیهتی ومد دبیرستان مسئول تفتیش بدنی می با برداشتن آموزش می باشند از پسین موقیعت استفاده کرده دست به زدنی - میزنند. در یکی از کلاسها که چند مرتبه پول دانش آموزان سرقت رفته بود، بالاخره روشن شد که یکی از همین دانش آموزان - مسئول تفتیش بدنی که دختر یک یا سدار بوده است دست به اینکار زده است.

تهران - منطقه ۱۴: مدیریت دبیرستان که قبلاً هیچ وجهی هنگام ثبت نام از دانش آموزان نگرفته بود، ظرف یکماه اخیر به دانش آموزان گفته که هر دانش آموز ۱۰۰۰ ریال برای ثبت نام می باید و در این پولها را به شماره حسابی که به نام او در حساب مدرسه در بانک افتتاح کرده و اریزمی کند. همچنین از طرف دیگر سود حاصل از فروش شرکت تعاونی مدرسه نیز به همین حساب و اریزمی گردود از آنجا که بودجه مدرسه کم است برای کمک به بودجه شرکت تعاونی مدرسه احتیاج را بسیار گرمان میفرشند و

از معلمین نیز برای کمک به جبهه جنگزده‌ها علیرغم بی میلی مملسان پول گرفته میشود. این فشارها برداشتن آموزش که اولیاء آنها اکثرًا "گازگرو زحمتکش هستند و به معلمین در شرایطی وارد میشود که گران بی‌باید میکنند، و قدرت خرید مردم زحمتکش روز بروز کاهش پیدا میکند.

اصفهان - دبیرستان ارمغان:

اوایل آبان ماه، سه تن از دانش آموزان بر اساس گزارش رئیس دبیرستان در دبیرستان دستگیر میشوند، روز اول آذر، ما ضین مدیر مدرسه آتش زده میشود، در روز بعد اعلامیه‌ای در کلاسها پخش می‌شود و مسئولیت آتش زدن را گروهی از انقلابیون به عهده میگیرند.

اصفهان: رئیس آموزش و پرورش به یکی از دبیرستانها می‌رود و در آنجا سه دختر را به جرم این که میوشان پیدا بوده و یک نفر را به جرم پوشیدن ژاکت قرمز اخرج میکند. مدیر این دبیرستان روزها در خیابانها میگردند دانش آموزان و معلم هائی را که حجاب را رعایت نکنند شنا می‌کنند.

خرم آباد: علیرغم سرکوب شدید رژیم در خرم آباد و علیرغم دستگیری وسیع در طی روز مراسم بزرگداشت چهارمرفیق اسکندر، رفقای خرم آباد دهجتنان به فعالیت انقلابی خود ادا می‌دهند و این درس خوبی است برای رژیم که بفهمد با سرکوب و خفیان نمی‌تواند مانع از رشد مبارزات خلق گردد.

اصفهان - دبیرستانهای خرم آباد: متن دستنویس پر شده‌ای پخش گردیده است که هدف آن فعال تر کردن کلبه، نیروهای انقلابی و هواداران سازمان بوده است. بخشی از متن دستنویس شده: "چه مشکلاتی در رسیدن بشریه کابرای شما وجود دارد؟ چه انتقادات و پیشنهادهائی برای سازمان چریکهای فدائی خلق دارید؟ چه راهی برای نفوذ بیشتر در مدرسه و کل جامعه پیشنهاد میکنید؟"

گرمایشگاه - دبیرستان هجرت (بخش قمر شیرینی ها): محصلین هر روز پس از خوشن رو در صبحگاه می شماریم که آمریکا می‌آید، آنگاه آنگاه آنگاه روزیکشنبه مدیر به دانش آموزان میگوید آمریکا به تنهایی دشمن ما نیست با دشمن سرگ آمریکا و شوروی با هم داده بودند دشمن - تکبیر هم باید بگوئید، هر کس ایستار را نکند از مدرسه اخرج میشود.

اجرای قانون...

رفرمهای هم از جانب رژیم وجود دارد؟! واقعیت اینست که ما به هیئت رژیم آنچنان است که ما اطمینان میتوان به تمام سئوالات فوق پاسخ منفی داد. آخر بحث بر سر قوه قضائیه نیست، بحث بر سر قوه مقننه و مجریه نیست، بحث بر سر برنامهای اقتصادی اجتماعیه، آموزش و پرورش... نیست، بحث بر سر تمام ارگان رژیم است. تمام مستخدم در تضاد با منافع خلق، در تضاد با ترقی و پیشرفت و بهر روزی در کارگران، زحمتکشان و همه اقشار خلقی است. قضاوت، وکلای دادگستری و حقوق دانان ایران با پدید آمدن دیکر زمان - چانه زدن روی این مسئله یا آن مسئله و کوشش برای گرفتن "اجتهد" و یا گرفتن "حق قضا" سر آمده است. موقیعت رژیم با آنچنان است که هر حرکت پویا و مترقی با وجود چنین رژیمی در تضاد است و نشی رژیم را می‌طلبید. بنا بر این ما معتمدیم ضمن آنکه قشار و طبقهات

گزارشی از مقاومت...

تقیه: صفحه ۱۵ استقبال روستائیان از طرح یاد شده می باشد، با توجه به اینکه فقط در شهرستان قومن و حومه مقدار برنجزارهای زیر کشت بیش از ۲۰۰۰۰۰ هکتار میباشند که از این مقدار معمولی که میتوان بدست آورد در حدود ۲۸۴۰۰۰ تن می‌باشد (برای هر هکتار ۱۹۲۰ کیلوگرم محصول در نظر گرفته شده است).

و جالب اینکه مقدار زمینهای زیر کشت فوتمت در استان گیلان در رتبه چهارم و یا پنجم قرار دارد. دولتی آنچه مسلم است با توجه به عدم تشکیل کشتار و زمین مجبور هستند برنجهای ما را خود در به دولت بفروشند. به این ترتیب دولت اولاً با خرید برنج میلیونها تومان از برنجکاران با خاطر تحمیل فقر، بدبختی از آنها دست خاوش می‌گیرد تا به خیال خام خویش به زندگسی ننگین خود ادا دهد.

ثانیا با توجه به تورم موجود کشتار و زمین مجبورند در سالهای آینده ما سندسالیهای بسیار سلطنت پهلوی به شهرهای بزرگ برای کار مهم بیا ووردند مثلاً اگر یک خانواده حداقل ۵ نفری (در روستاهای گیلان کمتر خاواده‌ای را میتوان یافت که تعداد آنها از ۴ نفر کمتر باشد) یک هکتار زمین داشته باشد (اکثر کشتار این منطقه بیشتر سیش از یک هکتار زمین دارند) مقدار محصولی که در سال میتوانند برداشت کنند ۱۹۰۰ کیلوگرم میرسد که اگر مقدار رخوراک روزانه آنها را حداقل ۱۵۰۰ گرم بگیریم رقمی معادل ۵۴۶ کیلوگرم میشود (البته این رقم با توجه به اینکه رفت و آمد اعشای فامیل زیاد در وینز اکثر آنها حتی شب، نهار و صبح نیز از برنج استفاده میکنند بسیار کم است) که اگر این رقم را محصول سالانه کم شود (۵۴۶ - ۱۹۰۰) رقمی معادل ۱۳۵۴ کیلوگرم خواهد شد در صورتیکه این

مقدار برنج به دولت بطور متوسط از قرار کیلوگرمی ۱۶ تومان فروخته شود مبلغی برابر ۲۱۶۶۴ تومان میشود که اگر خرج کشتار و زمین برای کاشتن، شخم، حمل، خرید کود، خرجهای متفرقه و بهره‌های و آبسته به وزارت کشتار و زری را در نظر بگیریم در صورتیکه تمام اعشای خانواده کشتار کنند رقمی معادل حداقل مبلغ ۶۰۰۰ تومان خواهد بود که اگر از کل مبلغ دوستان آمده کم شود رقمی معادل ۱۵۶۶۴ تومان خواهد شد یعنی یک خانواده ۵ نفری با توجه به تورم سرسام آوری به بطور متوسط با رقمی تقریباً ۱۳۰۵ تومان در هر ماه زندگی خود را بگذرانند.

جامعه، و در این موقیعات، وکلای دادگستری و حقوقدانان با بدست به چنین اعمالی دخالتی رژیممدای اعتراض خود را به هر شکلی که ممکن است بلند کنند اما اینرا پیدا نند که جل مسئله در گروی - تمییر بسیادی جامعه است که قدم اول آن در سرکوشی رژیم جمهوری اسلامی نهفته است. با بد حرکتها و تشکیلهای اعتراضی در خدمت سازمانندان، یک اعتراض وسیع و همه جانبه و یک اعتصاب عمومی بسیا زکن گانالیزه شود، نیروهای انقلابی و مترقی در بین قضاوت، وکلای دادگستری و حقوقدانان با بدست تمام هم هم مصروف چنین سازماندهی، با چنین چشم اندازی نمایند.

توضیح و پوشش

در مقاله "در جاشه سیاست خارجی رژیم" که در شماره ۱۳۷ چاپ شده اشکالات آساری وجود داشته که بدینوسله تصحیح میشود: در یکبار رقم سود تجاوز سال ۵۹ دو بیست - میلیار تومان ذکر شده که رقم درست آن ۱۲۰ میلیار تومان است، در یک جا هم در مقابل سود و در یکبار لادر سال ۵۷ با سال ۵۹ از لحاظ جمع استفاده شده که درست آن "میزان مبلغ" می‌باشد.

همچنین در مورد اقلام وارداتی کالا از کشورهای سرمایه داری و هم چنین تکمیل پروژه‌های نیمه کاره با استعمال کلمه شما، مطلق گرائی شده که درست نبوده و با بد از لحاظ عهده و بیسترا استفاده میشود. معنا قابل توضیح است که اگر قسما م یاد شده در مقاله از مطبوعات رژیم واز قول مقامات مسئول مملکتی نقل شده که میتوان در مواردی کاملاً دقیق نباشد. از تذکرات، انتقادات و دقت نظر رفقها درباره مقالات کار بسیار سپاسگزاریم.



گرمناشاه - اسلام آباد دغرب:

۶۰/۹/۲۵ - علیمرغم هوو حجال حا کمیت
مینی سرلوگیری از اعدا میهای بی رویه
ودا در مرخصی به زندا نشیا! و.....
تا کتیک کشا رعلنی حا کمیت تغییر نموده
است ویس از ایجا درعب و وحشت در مردم به
خاطر اعدا میهای دسته جمعی و وحشیانه
اکنون به سیاسی سرکوب پنهان روی آورده
با بصورت که از اعلام نام اعدا متدگان -
انقلابی خودداری می کند. در تارخ -
۶۰/۹/۱۱ دوتن از رفقای هواداران اسلام -
آباد دغرب به نامهای رفیق کامیار کرمی
وجه شاه نحقی بدستور مودی حا کم سرغ
مرتجع اسلام آباد اعدا متده اندوا ما می
آنها اعلام نگردیده، یکی از هواداران -
مجا هدی سزبه نام محمت الله حا ملی نیز
اعدا م گردیده، اما شعدا اعدا متدگان به
مراتب سبتر از اینها بوده و در فامه بین
روزهای ۱۵ تا ۲۰ آذر نیز در کما نشیا
شعدا اعدا متده اند که هنوز دقیقا -
مخفی نیست چکسانی بوده اند.

۶۰/۹/۲۵ - شهرداری -
عوارضی برای هریار خروج از شهره -
مخفرا نی که از این شهر خارج می شوند
تحمل نموده که این امر برای جوانان
ورنگسنگی مالی دولت است. از هر سا فر
۱۵ ریال اخذ می کنند، مملسان دختر
کوما نشا می که در مسیر کوما نشا - هر س
رفت و آمد میکنند، دسته جمعی دست با عراض
زده و کارشان به ژاندرمری کشیده و لسی
با چرا نبرد اخته اند. این حرکت در مراحل
ابتدائی خود تا شیرات منستی بر روی -
توده های مردم گذارده و مردم سبزی -
مردم کسان زبرد اخت عوارض ۱۵ ریال سی
خودداری کنند.

۶۰/۹/۱۹ - در پادگان مالح آباد یک
منقشی خدمت سال ۵۶ با اسلحه دست به
خودکشی زده است. این پنجمین نفر است
که دست به خودکشی میزند. علت خودکشی
فشار خانوادها از طرفی و عدم رسیدگی به
و مع سزایان از طرف دیگر می باشد. سزای
نا میرده زن و فرزند اشته است.
۶۰/۹/۱۴ - کوما نشا - بر توی مسئول شهاد
عملیاتی و فرهنگی سیاه پاداران غرب
کشور به آنها عضویت در انجمن حجتیه از
کاربرگسا رده است. این شخص کورای -
کارخانه، نشا می غرب را منحل نموده بود.
صفا سیاه پاداران در حال گردآوری -
اطلاعات و مدارکی در مورد انجمن حجتیه
می باشد.

۶۰/۹/۱۳ - در تهرک سراب سلفور -
کوما نشا که جنگ زدگان در آن ساکن
می باشند شعدا دی از اهالی راه حسرم
فعالیت سیاسی دستگیر شدی می نموده اند
روحیه اعتراضی در بین جنگ زدگان -
کسرش چشمگیری یافته است.
۶۰/۹/۱۲ - کوما نشا، به نقل از خبرنامه -
هواداران در کوما نشا:

۱- در مسجید بیرو جردی، آخوسدی که سه
تا زکی از قبه کوما نشا فرساده شده است
به نام محفی، اعتراف کرده است که جنرور
بیش در امفیان درگیری بین سیا و افراد
حزب اللهی رخ داده که منجر به کشته شدن
چهار تن حزب اللهی می شود. محفی ار
سازماندهندگان حزب اللهی می باشد.
۲- در تاریخ ۲۲ آبان (زور جمع) در
یکی از نقاط شمیم ساقی ۲۲ بهمن
فعلی درگیری بین یکی از افراد سیاه
به نام سعیدما دفی و چند تن از حزب اللهی

اخبار شهرستانها

- ها صورت می گیرد که در این درگیری سمد
مادقی که صلح به کلت بوده است یکی از
حزب اللهی ها را زخمی میکند و حزب اللهی
- ها وی را به ضرب چاقو زخمی می نمایند.
و کلت او را به سرقت می برند. با سدار -
مزبور در حال حاضر در بیمارستان بستری
است.

۶۰/۹/۲۵ - گرمناشاه - بدینال افزایش فشار
حا کمیت بر اشدگان زحمتکش تا کسی
مینی بر دانتن کارت شهر که بدست -
آوردن آن منظر مدانش ۲۳ سال سی -
متا هل بودن و دانتن سواد است عملا -
اکثریت را شدگان تا کسی که یا دیبله،
سیکا رهندویا جنگ زده و..... قا در به کسب
آن نخواهند شد. در کوما نشا در هفته
گذشته دادستان داد سزای انقلاب اسلامی
کوما نشا، در اطلاعیه ای که مکررا از -
را دیووتلو بیرون پخش میشود، و بر شیشه
تا کسی ها اجبارا نصب شده است خوا سدار
معرفی تا کسیران فدائ انقلاب از توسط
مردم به دادگاه انقلاب شده تا طبق مقررات
زمان جنگ آنان را مجازات نمایند.

اسلام آباد دغرب - روزها شورا عده ای در
جها را اسلام آباد دغرب جمع کرده بودند
وسای برگزاری مراسم عزاداری آیه
قرآن خوانده میشود و شعرا ردا ده میشد. وسای
مودی حا کم سرغ شروع به سخنرانی کرد،
در همین موقع شیرا بان با لائو (مرتضی
با فری) صدای شیرا نداری بگوش رسید، -
علت شیرا نداری این بود که فردی که یکی
از بر دانتن به عنوان پادار درجه سه
کشته شده و برادر دیگرش به جرم هواداری از
مجا هدی تیرباران شده بود چندین بچه
دستانه را متشکل نموده و در جلوی آنها
حرکت میکرد، در حالیکه عکس تکه خمینی
را در دست داشت شعرا مرگ بر خمینی داده و
گودگان از وی تمعیت می نمودند. پاداران
وی را محاصره می کنند ولی او با پاداران
درگیر میشود. شعدا دی از آنان را ضربات
مشت و لگدم جروح میکند و موفق به رسیدن
کلب یکی از آنان میگردد و با شلیک کلوله
یکی از پاداران را به قتل میرساند و
چند نفر دیگر را زخمی میکند. با اخره سرد
مزبور دستگیر می شود، اسر و سوت وی تا
کمون (۹/۱۳) جاری در دست سبت -
تهران - ۶۰/۹/۲۵:

ساعت ۱۰/۵ صبح در جها راه جمهوری
حافظ، سبز ساه رنگی که سرعت زیادی -
داشت با ۴ سربش کلسا س با سدار -
سرتن داشتند، از با نی سبت شعدا دی -
می کند. مردم و سرفر سرتین زبا را که
به نظر میرسد صربه، معوی حورده اند. از
ما شین خارج کرده تا به بیمارستان
سزاسد. در همین موقع ما سس آمولاس
وزارت بهداشتی و بهرستی از آنها -

مکسد و مردم به حال آنکه آمولاس
برای بردن دو مجروح آمده جلوی آن را
گرفتند ولی با سداران مانع از سکار
شدند. یکی از پاداران که مدعی نبود
دکتر است به بها سه، نیمه با سدار -
دا رو خانه از محل فرار کرد. نیمه با سس
کدنت که از دکنرو با ندخبری شد. مردم او
را لمن می کردند. یکی میگفت هم خلاف -
می کنند و هم فرار می کنند و کسی هم جا زه
نمی دهند داخل کند. یک آقای که در -
سبان جمعیت بود گفت: من ما شین دارم
و بایدورا به سبما رستان میرا سبما دا -
سار، هر چه میخواهد بشود، بشود. ولی در -
عوض دوا سنان را سبجات داده ام.

خوزستان - آبانماه:
مدیر عامل وزارت نیرو در شهرستان
اهوا زیاکلت در سکارش حاضر میشود و هر
یک از کارمندان کوچکترین اعتراضی
بکنند، او و کلتش را بیرون میا و ردوا آنها را
تهدید می کند که میگذا رستان سینه دیوار،
اجبارا یکی از کارمندان به خاطر وضعیت
جنکی خوزستان شدیدا تا راجتی روانی
پیدا کرده و هفت دکتر و روانشناس سبما سزرا
تا باید کرده و گفته اند سبما باید در منطقه، جنکی
کار کند. این کار مندوقتی مدارک پزشکی
- اش را نزد مدیر عامل وزارت نیرو میبرد
و اختصمکن شده و کارمند مذکور را راهی -
آبادان می نماید.

مردم شیرا زده دفن کردن دستفیب در
مقبره خانوادگی اش اعتراض کرده و گفته اند
اگرا شهید است با بدما سندا بیت اللسه
طالبانی در میان شهادتین گردد. در
ضمن وقتی نسوی وزیر سبت و تلگراف -
برای سخنرانی مراسم دستفیب سبت
تربسوز فرار میگردید سبت سبت سبه -
حدی که شروع به فریزدن میکنند و توانا شی
سخنرانی کردن را از دست میدهد، وسای
عذر خواهی از مردم تربسوز سخنرانی را
ترک میکند.

خوزستان
مدت یکماه است که پلیس راه ما شهر -
سزیندر مباردت به جرمه را شدگان می کند
که گوا هیسا مه سدارند. این موضوع
تا رضایتی را در میان را شدگان دانستن
زده است، اکثریت کسانیکه ما حب وسله
تقلیه هستند بدین طریق امر را معاش -
می کنند و با توجه به این که شعدا دزیا دی از
آنها با به علت جنگ اجبارا عی گوا هیسا مه
خود را کم کرده اند، با این که گوا هیسا مه
سدارند، با اینکه در دوره اخیرا متحانات
راه سانی را سندی قبول شده اند (شهرسوز
ماه) ولی هنوز گوا هیسا مه نگرفته اند (و
بقولی میان تا خیر در دادن گوا هیسا مه
به قبول شدگان و جرمه های آن جناسی
را بطه ای وجود دارد) در نتیجه شعدا دکسا نی
که جرمه میشود کم نیستند، این امر باعث
گردیده که شعدا دی از را شدگان سبیرکار
خود را عوض کنند و شعدا دی سبیرا زجساده
خاکی ای که به تا زکی در اشرفیت و آسب
مستدرانندگان موجود آمده، حرکت کنند،
اکثریت را شدگان معتقدند که این کار -
بلهین راه دنیا له سبیا تا غارتگرانه
حکومت از کینه سبھی زحمتکشان است.



هرچه گسترده تر باد اتحاد عمل نیروهای مترقی و انقلابی



گرامی باد خاطره

فدائیان شهید از کردستان

پس از یورش سی خردا دکه‌ها هم رژیم برای فرونشاندن جنبش انقلابی خلقهای ایران و سرکوب نیروهای انقلابی، در کردستان - قهرمان نیزعده ای از رفقای فدائی در کنار سایر نیروهای انقلابی اعدام و کشته شدند. از آنجا که بعثت سعی اشکالات تکنیکی هنوز تشکیلات شمال کردستان موفق به ارائه سبوغرافی کامل آنها نشده، مذکور مختصری از سبوغرافی این رفقا می‌پردازیم:

★ رفیق فدائی جواد کلازی

از دانشجوین مبارز در خراج از کشور بود که پس از انشعاب به ایران و به زادگاه خود با زکنت و به صفوف پیشمرگان فدائی پیوست. وی سپس جزوه‌ساز داخل شهر - مها با دیده فعالیت پرداخت. رفیق در اوائل مرداد دستگیر و در تاریخ ۶۰/۶/۱۵ در مها با اعدام گردید. (لازم به توضیح است که پیشمرگان فدائی در مقابل اعدای این رفیق یکی از پاسداران سرما به و مزدوران رژیم را در زندان سازمان در کردستان بودا اعدام نمودند و طی اطلاعیه‌ای که قبلاً در کا رجا پ شد این عمل انقلابی را به اطلاع مردم مبارز ایران رسانند)

★ رفیق فدائی رحمت شریفی از رفقای سازمان در زندان بود. وی آموزگاری - انقلابی بود که در سازمان اسما ل دستگیر و در اوائل مهرماه در تبریز بدست دشمنان خمینی اعدام شد.

★ رفیق فدائی مظفر قادری که به همراه

رفیق شهید جواد کلازی دستگیر شده بود. وی یکی از رفقای بود که فعلاً نه در سازمان ندهی و تبلیغ نظرات سازمان در شهر مها با دکار می‌کرد. وی در آبانماه توسط پاسداران سرما به و مزدوران رژیم به اتهام مدافع زحمتکشان و خلق - های ستمدیده ایران اعدام گردید.

★ رفیق فدائی فری حسی

وی یکی از رفقای هوا دار سازمان در سوگان بود که با عشق بزرگ به مبارزه خلقهای ایران و هشیب مقابله و مت خلق کرد در پیشبرد کنار سازمان فعالانه شرکت می‌نمود. وی در اوائل شيرماه در شهران دستگیر و به همراه ننی چند از نیروهای انقلابی در آذرماه اسما ل در شهران اعدام شد.

★ گرامی باد خاطره رفیق فدائی محمد

مجیدی : وی یکی از رفقای فعال سازمان بود که در ارتداد رگات سازمان در منطقه کردستان فعالیت می‌نمود. محل ما موریت رفیق دره قا صل بود که در این راه تلاش وی به کار سازمان بیشترت - محسوس می‌باشد. رفیق فریبها را ممال کتکتیر و پس اومدنی همچون دیگر رفقای شهید خاطر تحقیق آرمانهای بزرگ پرولتاریا بدست جنایت پیشگان جمهوری اسلامی و رژیم مغفوق خمینی اعدام گردید. یاد همه این رفقا گرامی باد. تشکیلات شمال کردستان



قتل علم اسرای عراقی : نگی دیگر بر دامن جمعیت اسلامی

دوروزیم ضد خلقی ایران و عراق بیش از یکسال است علاوه بر کوبیدن بر طبل جنگ در شیوهرای تبلیغاتی خود می‌داند در هر دو سو، هر یک از دوروزیم مدعیند که - مورد ظلم و تعدی قرار گرفته‌اند. هر یک دیگری را "متجاوز"، "غارتگر"، "کشتارگر" و "ضدمردمی" میخوانند و هر یک خود را مدافع حقوق زحمتکشان مینامند. حقیقت این است که هر دوروزیم متجاوزند، هر دوروزیم غارتگر، کشتارگر و ضدمردمی‌اند. و حقیقت این است که در بین میان این تشیقات زحمتکشان و خلقهای ایران و عراقند که مورد ظلم و تعدی، کشتار و زو کشتار قرار گرفته‌اند.

چنانچه با توجه به این رژیمهای ضد خلقی در جنگ که همانا تداوم سیاستهای ضد خلقی شان است حدود مرزی نمی‌شناسد. رژیم ضد مردمی عراق بر اساسی نیست چنانچه کاران هیئتتری را از پشت بسته است و هر روز با بمباران مناطق زحمتکش زمین شهرها و روستاها و دیگر مراکز پرجمعیت مدام تن آزرده‌های زحمتکش را طعمه است اسما ل قدرت طلبانه خود میکند و با سه راکت و خمپاره بستن بیمارستانها، مدارس و مناطق مسکونی چهره گریمه جنگ ارتجاعی را بیش از پیش مینمایاند و از سوی دیگر رژیم جمهوری اسلامی در این جنگ قدرت سمیت و در ندهنوی خود را به نمایش مینهد و سیاستهای ضد خلقی خود - در سرکوب و کشتار توده‌ها را تداوم میدهد. رژیم جمهوری اسلامی که بر اساس جنایات فاشیستی اثر در رابطه‌های خلیج در سطح جهانی گاملاسی آبرو شده است - مدتهاست می‌کوشد تا آب رفته را به جوی - با زگردا ندودسته‌های خونین خود را در پیش برده، تبلیغات بیوشا ندودر پشت نمایش - نامه عوام فریبانه‌ای بنام "رفتار اسلامی در جنگ کشتار هزاران جوان - مبارز زوراندانی کردن حدود ۲۰ هزار - رزمنده انقلابی را مخفی کند، هرچند پرسیدنی است رژیم که اینگونه بیسی مها با کارگران و زحمتکشان را به گلوله می‌بندد و دستگیر میکند، رژیمی که در زندانهایش و حشیا نه‌ترین شکنجه‌ها را بکار گرفته است، کابل میزند، به بدن مبارزین برق وصل میکند، تا غن میکند، استخوانها را می‌شکند، بدن را می‌سوزاند،

تجاوز می‌کند، جوانان بسیاری را بر زیر شکنجه‌های قرون وسطایی خود شهید می‌سازد، چگونه میتوان ندر را بطه با اسرای جنگی رفتاری "انسانی" داشته باشد، هر چند پرسیدنی است در آنجا که رفتار حیوانی رژیم در رابطه با کشتار و سرکوب خلق کرد مرزی نمی‌شناسد چگونه میتوان از رفتار "انسانی" دم زد... اسما با بدگفت کار رژیم جمهوری اسلامی از چنین برپیشانی قرار گرفته است. اسما دفا جمع پیش از آنست که در تصور بیگانه - اینک رژیم جمهوری اسلامی در جنایت و کشتار و در بر کارگیری اعمال ضد بشری گامی از تمام سیاستهای ضد خلقی فراتر نهاده و در قریب نوبین گشوده است. رژیم جمهوری اسلامی حدود ۲۰۰۰۰ سرباز اسیر عراقی را قتل عام نموده است.

در حمله رژیم به استان نیروهای نظامی جمهوری اسلامی حدود ۲۰۰۰۰ سرباز عراقی را به اسارت خود در آورده، اما پس از - قزارگیری در مقابل ضحمله عراق - در بافتند که قدرت نگهداری ۲۰۰۰ اسیرا ندا رند و از اینرو اسیران غارت شده را که لباس و پوتین و سایر وسایلشان به عنیت گرفته شده بود بشکل دسته جمعی قتل عام کردند. پس از این جنایت هولناک است که ها شمی رفسنجانی و قبحا نه "سازمانها و بین المللی" را به یاد آزا جاسادیش از ۲۷۰۰ عراقی در جبهه استان فرا میخواند تا اسرای قتل عام شده را بجای کشته‌شدگان در حمله قلمداد کنند.

آری رژیم جلادان جنایتهای خود را در ابعادی نوجور به میکند، رژیم که صفوف بیکاران را به گلوله بست، رژیم که قارتا و ایندرفاقش را آفرید، رژیم که کارگران بی سلاح را در شهرک اسیر و کشتار کرد، رژیم که زندانهای سیاسی را در سلولها بشکل دسته جمعی به رگبار می‌بندد، رژیم که انقلابیون را در هنگام اعدام از پا به گلوله می‌بندد و رها میکند، به اسما شدگان تیر خلاص نمی‌زند و از نوا ده‌های شهدای خلق پول گلوله می‌گیرد... اینک قزارهای بی شو از جنایت وفا شیم را به نمایش نهاده است، قتل عام اسیران!



فشار افکار عمومی جهان، سازمان عقوبت الملل را وادار
ساخت تا در مورد شکنجه‌های وحشیانه
رژیم موضع‌گیری نماید

در صفحه ۱۴

زندانی سیاسی آزاد باید گردد، ترور، شکنجه زندان نابود باید گردد